

نقش آستان مقدس حضرت احمدابن موسی الکاظم شاهچراغ^(ع) در حرکت‌های اعتراضی منتهی به انقلاب اسلامی ایران از سال ۱۳۴۲-۱۳۵۷

محمد رضا محمدجانی^۱

محمد پورمنتصری^۲

چکیده

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به عنوان یکی از شکوهمندترین انقلاب‌ها در سطح دنیا مطرح شده است. به روایت مورخان، حرکت‌های اعتراضی منتهی به این انقلاب از سال ۱۳۴۲-۱۳۵۷ به شکل مستمر در جهات گوناگون و در شهرهای مختلف کشور ایران در جریان بوده است. شهر شیراز به عنوان یکی از شهرهای پیشرو در انقلاب اسلامی ایران، شاهد اعتراضات مردمی بوده است. از سوی دیگر حرم مطهر حضرت احمدبن موسی الکاظم شاهچراغ^(ع) به عنوان یک عنصر مهم مذهبی و هویت‌بخش در فرهنگ ایرانی-اسلامی، نه تنها در شهر شیراز بلکه در کشور ایران و سایر کشورهای اسلامی شناخته شده است، به شکلی که تاثیر این مکان مقدس در رویدادهای مختلف خصوصا رویدادهای تاریخی-سیاسی ایران معاصر قابل انکار نیست. سوال ما در این تحقیق این است که آستان مقدس حضرت احمدبن موسی الکاظم شاهچراغ^(ع) در حرکت‌های اعتراضی منتهی به انقلاب اسلامی ایران از سال ۱۳۴۲-۱۳۵۷ چه نقشی ایفا کرده است؟ بدین منظور با استفاده از اسناد تاریخی، کتب و مقالات در این زمینه به دنبال پاسخ به این سوال بوده ایم، همچنین به منظور غنای اثر، و با توجه به کمبود منابع در برخی موارد، به مصاحبه با افراد تاثیرگذار در وقایع پرداخته ایم. نتیجه آنکه، این حرم مطهر، در آگاهی بخشی، تجمع و تهییج حرکات اعتراضی منجر به سقوط رژیم شاهنشاهی، و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی نقش موثر داشته است و مردم شهر شیراز، حرم مطهر احمد ابن موسی^(ع) را پناهگاهی

^۱ استادیار (عضو هیئت علمی) گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز (نویسنده)

مسئول mohamadjaani@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

امن و پایگاهی مردمی-مذهبی در جهت تحرکات سیاسی با محوریت علما برای خود دانسته و جایگاهی معتبر برای سخنرانی‌های هدفمند و هماهنگی و برنامه ریزی، علیه رژیم شاهنشاهی، برشمردند. به شکلی که این حرم مطهر به عنوان مهمترین کانون تجمعات و اعتراضات مردم شهر شیراز در اعتراضات منتهی به انقلاب اسلامی ایران، در اذهان به یادگار مانده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با گردآوری به شکل کتابخانه‌ای و مصاحبه به نگارش درآمده است.

واژگان کلیدی: آستان مقدس حضرت احمدابن موسی - شاهچراغ^(ع)، انقلاب، انقلاب اسلامی ایران

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران از تحولاتی بود که هنگام وقوعش، دنیا را به حیرت و تعجب وا داشت. استکبار جهانی با تمام دستگاه‌های عریض و طویلش و با همه نفوذی که در دستگاه حاکم پیدا کرده بود چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور ایران را جزیره ثبات می‌انگاشت. رژیم حاکم بر ایران، دست نشانده و گوش به فرمان اربابان غربی خود بود، اما ملت ایران مانند آتش زیر خاکستر بودند که با وزیدن باد ملایمی، شعله‌های آن به یکباره زبانه زد و دستگاه حاکم را آتش کشید. بنا به گفته نظریه پردازان یکی از مهمترین عاملی که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشت، عنصر مذهب بود که با رهبری حکیمانه امام خمینی^(ع) به کار گرفته شد و توانست حکومت ۲۵۰۰ ساله را که بزرگترین ابر قدرت جهان پشتیبان او بود را به اضمحلال بکشاند.

اندیشه ناب امام راحل^(ع) نشأت گرفته از نص صریح قرآن کریم و باور و عمل به این آیه شریفه بود که خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آن قوم خود سرنوشتشان را تغییر دهند. انقلاب اسلامی یعنی راهی که هدف آن، اسلام و ارزش‌های اسلامی است و انقلاب و مبارزه صرفاً برای برقراری ارزش‌های اسلامی انجام می‌گیرد، به بیان دیگر در این راه، مبارزه هدف نیست، بلکه وسیله است. (مطهری، آینده انقلاب اسلامی، ص ۳۶۴)

در ادامه به برخی از دلایل وقوع انقلاب اسلامی ایران و نظریه‌های موجود پیرامون آن خواهیم پرداخت.

دلایل وقوع انقلاب اسلامی ایران

• نارضایتی از وضع موجود در انقلاب اسلامی با شاخص‌هایی مانند اعتصاب، تظاهرات، درگیری و تنفر همگان از رژیم شاهنشاهی گستردگی زیادی داشت.

- آموزه‌های اسلامی به عنوان ایدئولوژی و اندیشه سیاسی جایگزین، در انقلاب اسلامی مطرح بود، و در شهرها، تظاهرات، بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های مردم و رهبران نقش اصلی و تعیین کننده داشت.
- در انقلاب اسلامی، رهبری بی نظیر هوشمندانه امام خمینی و پیوند ویژه دینی و تاریخی روحانیت با مردم به بهترین وضع ممکن، نقش بیداری انقلاب و گسترش آرمان‌های انقلاب اسلامی را ایفا کرد.
- روحیه انقلابی در انقلاب اسلامی با شاخص‌هایی همچون عدم تسلیم انقلابیون در برابر اقدامات ظاهری رژیم و بی توجهی به اقدامات سرکوب گرانه آن به خوبی قابل مشاهده بود. (عنایت، ۱۳۷۱)

نظریه پردازی پیرامون انقلاب اسلامی ایران

الف) نظریه توطئه

گروهی با تمسک به تحلیل‌های غیر عملی، نظریه توطئه و طرح ریزی از پیش تعیین شده خارجی‌ها، خصوصاً آمریکا و انگلیس را منشأ وقوع انقلاب اسلامی دانسته و پیروزی انقلاب اسلامی را بر این فرضیه تحلیل کرده اند. محمد رضا شاه در تمامی مصاحبه‌ها و کتاب‌های خود، با صراحت از توطئه و برنامه ریزی غربی‌ها به عنوان عامل سقوط خود سخن گفته است او در مصاحبه بیان نموده است که چگونه آمریکایی‌ها مرا سرنگون کردند. (زیبا کلام، ۱۳۸۶، ص ۳۰) و یا در کتاب پاسخ به تاریخ (پهلوی، ۱۳۷۱، ص ۳۸۸-۳۲۷) به شکلی بسیار خام اندیشانه علت انقلاب اسلامی و سرگونی خود را توطئه دولت‌های غربی جست و جو می‌کند، البته بعضی از سیاستمداران غربی همچون سولیوان سفیر آمریکا، آنتونی پارسونز سفیر انگلیس و ژنرال هابزر این اعتقادند. (سولیوان، پارسونز، ۱۳۷۲، صفحات ۱۵-۲۵۵ و ۲۵۷، ۴۴۳)

در خصوص نظریه توطئه باید گفت انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب بزرگ است که در اعماق تاریخ ایران ریشه دارد و از همراهی اکثریت قریب به اتفاق ملت برخوردار بود و سبب تحولات عمده‌ای در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین المللی شد و بیش از همه منافع قدرت‌های بزرگ همچون آمریکا را تهدید کرده است و با فرضیه‌های غیر عملی قابل تحلیل نمی‌باشد. (سبزه ای، ۱۳۹۵، ص ۱۴-۲۱)

ب) نظریه مدرنیزاسیون و توسعه ناموزون:

طبق این نظر، برنامه‌های مدرنیزه کردن ایران توسط شاه از دهه‌های ۴۰ به بعد، سبب شد تا چهره ایران، به سرعت از یک جامعه سنتی نیمه فئودال و نیمه صنعتی عقب مانده، به یک جامعه شبه مدرن، صنعتی و شبه متجدد تبدیل شد، اما این برنامه‌ها که به دلیل شتاب زدگی و عدم سازگاری با فرهنگ سنتی جامعه باعث بحران هویت و تعارض‌ها و نارضایتی‌هایی گردید و موجب سقوط نظام شاهنشاهی شد.

آنتونی پارسونز سفیر انگلیس در ایران می‌نویسد: من در بحث‌هایی که با شاه داشتیم، در تحلیل‌های خود همواره بر این نکته تأکید می‌کردم که طغیان شدید و ناگهانی احساسات عمومی نتیجه طبیعی ۱۵ سال فشاری است که با اصرار در مدرن سازی کشور به مردم ایران تحمیل کرده است. (محمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰-۱۳۴) همایون کانتوزیان نیز در کتاب اقتصاد سیاسی ایران می‌نویسد: سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ سال‌های استبداد نفتی بودند که به ظهور پدیده شبه تجدد منجر گردید و با فرهنگ، سنت و ارزش‌های ایرانیان موجود در ذهن خود یعنی اصول و اعتقادات اسلامی مغایر می‌دیدند، نه اینکه وقتی شاه بر اثر نو سازی تضعیف شد مردم این مغایرت را حس کردند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴، ص ۱۵۰)

ج) نظریه اقتصادی:

گروهی از نویسندگان غربی و عده‌ای از گروه‌ها و تفکرات ایرانی چپ‌گرا "مارکسیست" مشکلات اقتصادی را عامل سقوط شاه و پیدایش انقلاب اسلامی می‌دانند. این تحلیل گران اوضاع نابسامان اقتصادی ایران را در سقوط شاه تعیین کننده می‌دانند و استناد آنها بر نظریه جیمز دیویس منحنی جی که قبلاً اشاره گردیده است می‌باشد و همچنین به نظر آنها نداشتن برنامه اقتصادی، اجرای سیاست ریخت و پاش و ولخرجی‌های شاهانه از جمله جشن ۲۵۰۰ ساله و توزیع ناعادلانه درآمدهای نفتی و ظلم اقتصادی و فقر اکثریت مردم ایران را عامل سقوط شاه می‌دانند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴، ص ۱۵۰-۱۵۱) اما باید گفت: با وجود اینکه این تحلیل یکی از ابعاد فساد اقتصادی رژیم شاه را بیان می‌کند، اما تأکید بر مطرح کردن فساد و بیماری‌های اقتصادی رژیم شاه، به علت سقوط این رژیم و عامل پیروزی انقلاب اسلامی، نتیجه گیری صحیحی نیست. میشل فوکو نیز معتقد است که انقلاب ایران، نمی‌تواند با انگیزه‌های اقتصادی و مادی صورت گرفته باشد، زیرا جهان شاهد شورش و قیام همه ملت ایران بر علیه قدرتی بود که مشکلات اقتصادی اش به آن اندازه مهم و بزرگ نبود که در نتیجه آن، میلیون‌ها ایرانی به خیابان‌ها ریخته و با سینه عریان به مقابله با مسلسل‌ها پردازند، بنابراین ریشه انقلاب ایران باید در جایی دیگر جست جو کرد. (ذوعلم، ۱۳۷۷، ص ۸۷-۱۰۲) و نیز (خرمشاد، ۱۳۷۷، ص ۲۰۹-۲۲۴)

د) نظریه مذهب و جامعیت اسلام:

گروهی از محققان واقع بینانه، عامل مذهب و جامعیت اسلام در مواجهه با حکومت استبدادی و توانائی آن در رهبری، گسترش بیداری، روحیه انقلابی و بسیج نهضت‌های اصیل مردمی توجه کرده و ضمن پذیرش دخالت عوامل مختلف در تکوین انقلاب اسلامی، اسلام خواهی مردم و اسلام زدایی شاه را عامل اصلی آن میدانند. (عمید زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۵۷۲)

بر اساس این دیدگاه علت اصلی و اساسی قیام مردم این بود که شاه نسبت به نابودی ارزش‌های مسلط جامعه آنها که از مذهب و آیین آنها سرچشمه گرفته بود، قیام کردند و با جریحه دار شدن احساسات

مذهبی امت مسلمان ایران دیگر مجالی برای صبر در مقابل سایر نا ملایمات اجتماعی و اقتصادی وجود نداشت. (محمدی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۸۸) برخی از مظاهر و سیاست‌های اسلام زدایی شاه عبارت بودند از حذف قید اسلام و متمم به قرآن در لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، مخالفت‌های آشکار با روحانیت، تغییر تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی و برگزاری جشن‌های هنر و... (روحانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۸۳۹-۱۰۱۱)

هر چند شهرهایی همچون قم و تهران به عنوان کانون اصلی انقلاب اسلامی به حساب می‌آمدند، اما اقصی نقاط کشور در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی نقش بارزی داشتند.

در هر شهری علما در مساجد مختلف اقدام به آگاه سازی مردم می‌نمودند، اما یک مکان دیگر به عنوان محل اصلی تجمعات در روزهای اعتراضی انتخاب می‌نمودند، که از آن جمله می‌توان به مساجد شعبان و قزل لی در تبریز، مساجدامام(شاه)، اعظم و حرم مطهر حضرت معصومه(س) در قم، مساجد روضه محمدیه و حظیر در یزد، مسجد سید و میدان امام(شاه) در اصفهان، مسجد جامع در کرمان، مسجد جامع در گرمسار، مساجد دانشگاه، بازار، هدایت، جلیلی و مهدیه در تهران، مساجد درویش، کرامت و حرم مطهر امام رضا (ع)، مساجدامام حسن مجتبی(ع) در بجنورد، مسجد همت تجریش، مسجد جامع کرج، حسینیه اصفهانیهای مقیم آبادان، مسجد جامع خرمشهر، مسجد (جامع) دلگشا بندر عباس و... می‌توان اشاره کرد.

مردم شیراز همزمان با شهرهای ایران در فاصله سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ با اتفاق‌هایی که روی داد شیراز را در کانون توجه انقلابیون سراسر کشور قرار دادند که از جمله آنها برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله و جشنهای هنر در این شهر بود که باعث اعتراض علمای برجسته شیراز از جمله آیت الله بهاء الدین محلاتی در مسجودلی عصر(عج)، آیت الله مجدالدین محلاتی در مسجد مولا، شهید آیت الله عبدالحسین دستغیب در مسجد جامع، آیت الله سید علی اصغر دستغیب در مسجدالرضا(ع)، آیت الله پیشوا در مسجد نو، آیت الله حائری مسجد شمشیر گرها، آیت الله سید محمد امام در مسجد حاج غنی و... شد.

برای بررسی نقش آستان مقدس حضرت احمد بن موسی (ع) شاهچراغ در پیروزی انقلاب اسلامی می‌بایست حوادث سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ در شیراز را بررسی کرد، تا با اعتراضات و تجمعاتی که در آنجا شکل گرفته به نقش محوری حرم پی ببریم.

لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و جهت گیری علمای شیراز

پس از تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در مهر ماه ۱۳۴۱ و عکس العمل روحانیون و در راس آنها حضرت امام خمینی(ع) بیانیه و اعلامیه هایشان به شهرستانها توزیع گردید که این اطلاعیه‌ها از سوی آیت الله ربانی شیرازی به شیراز ارسال شد.

در شیراز به محض دریافت بیانیه امام خمینی ستادی از علمای روحانیون در مسجد جامع عتیق تشکیل شد که از چهره‌های برجسته این ستاد آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی، شهید آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله سید محمود علوی، آیت‌الله محمود شریعت، آیت‌الله سید محمد امام، آیت‌الله حدائق، آیت‌الله سید حسینی و آیت‌الله باقرآیت‌اللهی بودند.

براساس تصمیم ستاد مقرر گردید که با توجه به اینکه شبهای جمعه در مسجد جامع عتیق دعای کمیل با حضور گسترده مردم تشکیل می‌شود آیت‌الله شهید دستغیب ضمن قرائت دعای کمیل به سخنرانی آشکار در خصوص مواضع امام خمینی بپردازد و این اقدام صورت گرفت. و در پایان جلسه علمای شیراز اولین بیانیه خود را با امضای بیش از ۴۰ تن از آنان در حمایت از نهضت امام خمینی صادر نمودند. (عرفان منش، ۱۳۷۵، دفتر دوم، ص ۱۹-۷۹)

سرلشکر پاکروان رئیس سازمان امنیت کشور برای بررسی اوضاع به شیراز سفر کرد و در زمان حضور به دیدار آیت‌الله محلاتی رفت و بنابر اظهارات جلال‌الدین آیت‌الله زاده، پاکروان به آیت‌الله محلاتی گفت: دولت لزوم التیام روحانیت را احساس کرده و تشخیص داده تنها شخصیتی که در ایران می‌تواند این نقش را انجام دهد حضرت عالی هستید و من آمده‌ام حضور شما تقاضا کنم به تهران تشریف بیاورید و با شاه ملاقات کنید و موجبات این پیام را فراهم آورید، محلاتی ضمن رد درخواست مزبور، مقامات دولتی را در انجام طرح ناکام گذاشت. (عرفان منش، ۱۳۷۵، دفتر اول، ص ۴۷، ۴۸)

واقعۀ فیضیه قم و واکنش مردم شیراز

در پی واقعۀ فیضیه قم در دوم فروردین سال ۱۳۴۲، روحانیون شیراز و در رأس آنها آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی که از نفوذ قابل توجهی در فارس برخوردار بود، با ارسال نامه به علمای قم از حضور آنها کسب تکلیف نموده‌اند و نامه نوشتند که مضمون نامه چنین بود: «میخواهیم قیام کنیم، چرا بیکار نشستۀ اید؟ هر چه زودتر تکلیف را معلوم کنید، مردم شیراز در انتظار شما میباشند». در پاسخ به درخواست مزبور وعده داده شد که پس از رایزنی با سایر علما در زمان لازم نتیجه تصمیم اتخاذ شده به اطلاع آنها خواهد رسید. (شورای نویسندگان، ۱۳۷۹، ص ۴۶)

در شیراز به واقعۀ فیضیه قم اقداماتی از سوی علما صورت گرفت، از سوی آیت‌الله دستغیب دو پیشنهاد مطرح شد: اول اینکه از مردم خواسته شد در هر جا با مشاهده اشخاص روحانی به وی احترام نمایند، دوم اینکه برای حفظ شاعران اسلامی در اوقات نماز، مردم در هر جا که هستند اذان بگویند. (دستغیب، ۱۳۷۸، ص ۱۳، ۱۴) علاوه بر این آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی نیز با رایزنی با سایر علمای شیراز، یک قطعنامه ۴ ماده‌ای تهیه کرده و از سوی آیت‌الله دستغیب در روز هشتم فروردین ۱۳۴۲ در مسجد جامع قرائت شد،

در حالی که حدود ۲۰۰۰ نفر در مسجد جامع اجتماع کردند، آیت الله دستغیب در آغاز ضمن انتقاد از اوضاع جاری و تشویق مردم به جهاد علیه وضع حاضر افزود به مناسبت پاسداشت شهدا و مصدومین طلاب علوم دینی در حوزه علمیه قم، در شیراز سه روز کلیه مساجد تعطیل خواهد بود. (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۳۲) در پایان نیز قطعنامه ذیل قرائت گردید: ((۱. لغو تصویب نامه مورخه ۴۲/۲/۱۱ هیئت دولت مبنی بر حذف کلمه ذکور از شرایط انتخاب شوندهگان و انتخاب کنندگان، ۲- برقراری حکومت ملی که صد در صد مبتنی به مبانی اسلامی و افکار باشد، ۳- تشریح در شروع انتخابات مجلسین شورا و سنا با اصول آزادی و خاتمه دادند به دوران فترت. ۴- شرکت دادن پنج نفر از علمای طراز اول در نظارت به امور قانون گذاری مجلس شورای ملی طبق قانون اساسی)) (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۳۳) امام خمینی با ارسال نامه‌هایی برای آیت الله محلاتی و روحانیون دیگر در سطح کشور خواسته بودند که علما به صورت هماهنگ عمل کنند. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۱) از سوی آیت الله دستغیب پیشنهاد ارائه شد: اول اینکه از مردم خواسته شد در هر جا با مشاهده اشخاص روحانی به وی احترام بگذارند و دوم اینکه برای حفظ شعائر اسلامی در اوقات نماز مردم در هر جا که هستند اذان بگویند. آیت الله دستغیب در سخنرانی‌های خود پیوسته ضمن انتقاد از اوضاع موجود نسبت به اعمال ماموران رژیم پهلوی در برخورد با روحانیون به ویژه واقعه فیضیه قم ابراز انزجار می‌نمود و متن سخنرانی‌های ایشان روی نوار کاست ضبط شده و ضمن تکثیر، به سایر نقاط کشور ارسال می‌شد. (عروج، ۱۳۹۴، کتاب دهم، ص ۳۵-۴۹)

ساواک فارس ضمن تحریک آمیز و اغواکننده خواندن سخنان آیت الله دستغیب به ساواک شیراز در خصوص جلوگیری از هرگونه تشنج در ماه محرم و صفر با تشکیل کمیسیون پیش بینی‌های لازم را به عمل آورد. (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، کتاب دهم، ص ۳۵-۴۹)

در شب عاشورا ۱۳ خرداد سال ۱۳۴۲ مراسم گسترده‌ای در حرم شاهچراغ^(۴) برگزار شد و سپس جمعیت عزادار به سمت مسجد نو در مقابل حرم شاهچراغ حرکت کردند و همه علمای شیراز، دانشگاهیان، بازاریان و عشایر نیز حضور داشتند، ابتدا حجت الاسلام مجدالدین مصباحی به منبر رفته و در خصوص روز عاشورا صحبت نمودند و سپس اظهار نمودند که در حال حاضر اسلام و دین در خطر است و مردم مسلمان باید با علما متحد باشند، پس آیت الله دستغیب به ایراد سخنرانی و ضمن تشریح واقعه عاشورا و کربلا، هیئت حاکمه فعلی را به دستگاه یزید و شمر تشبیه نمودند. (عرفان منش، ۱۳۷۵، دفتر اول، ص ۶۰) و نیز (عروج، ۱۳۹۴، ص ۸۲، ۱۰۸). در ۱۴ خرداد سال ۱۳۴۲ روز عاشورا هم مراسم روضه خوانی در منزل آیت الله محلاتی تشکیل شد و ایشان به شدت دولت را مورد حمله قرار دادند و گفتند که باید جواب این دولت طاغی و پست و نوکر اجانب را با اسلحه داد و مسلمانها باید قیام کنند و این متجاسرین را سر جای خود بنشانند. (دوانی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۲)

به دنبال سخنرانی امام خمینی در عصر روز عاشورا علیه شاه ایشان دستگیر شدند و خبر دستگیری ایشان در صبح ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به گوش علمای شیراز رسید و آیت الله محلاتی روز ۱۶ خرداد را در شیراز تعطیل عمومی اعلام کردند و از علما عموم مردم درخواست کردند که در مسجد نو اجتماع نمایند تا حقایق به اطلاع آنان برسد. (دوانی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۳) کمیسیونی مرکب از شهربانی و ساواک و ژاندارمری تشکیل شد و تصمیم گرفته شد تا برای جلوگیری از اقدامات مخالفان از روحانیون موثر در حرکت‌های مردمی دستگیر شود لذا دستور دستگیری آیت الله بهاء‌الدین محلاتی و فرزند ایشان حجت الاسلام مجدالدین محلاتی، آیت الله دستغیب، جلال الدین آیت الله زاده و حجت الاسلام سید هاشم دستغیب و حجت الاسلام مصباحی صادر گردید. (شورای نویسندگان، ۱۳۷۹، ص ۷۸.)

همان شب ساعت دو نیمه شب آیت الله محلاتی و فرزندش و حجت الاسلام جلال الدین آیت الله زاده دستگیر کردند (عرفان منش، ۱۳۷۵، ص ۴۹) و به نقل از سید هاشم دستغیب فرزند آیت الله دستغیب حدود ساعت سه بامداد مأموران رژیم به درب منزل شهید دستغیب آمدند اما عده‌ای که شب خبر شایعه دستگیری احتمالی آیت الله دستغیب شنیده بودند به داخل کوچه آمده بودند تا ممانعت از دستگیری کنند لذا با مأموران درگیر شده و چند نفر هم از جمله آقایان سودبخش، ابوالاحرار و علی حسینی به شدت مجروح شده و در همین فاصله آیت الله دستغیب از راه پشت بام فراری داده شد و به منزل علی اکبر سبحانی انتقال داده شدند و بدین ترتیب آیت الله دستغیب دستگیر نشدند اما مأموران که نتوانستند ایشان را دستگیر کنند به ضرب و شتم اطرافیان پرداختند. (عرفان منش، ۱۳۷۵، دفتر دوم، ص ۲۰۷) و نیز (عروج، ۱۳۹۴، ص ۱۱۸)

همان شب سید هاشم دستغیب هم دستگیر شد و به همراه آیت الله بهاء‌الدین محلاتی، مجدالدین محلاتی، و جلال الدین آیت الله زاده و آیت الله مصباح به فرودگاه منتقل شدند و در ۱۶ خرداد با هواپیما به تهران رفتند و پس از حضور در شهربانی آنها را به زندانی در عشرت آباد منتقل کردند. (عرفان منش، ۱۳۷۵، دفتر دوم، ص ۱۷۰ - ۱۷۱) فردای آن روز یعنی ۱۶ خرداد مردم ابتدا در مسجد نو در مقابل حرم شاهچراغ و هیئت‌های مذهبی وابسته به آقایان ولدان و رضازاده هم حضور پیدا کردند و همه در میدان مقابل حرم شاهچراغ جمع شدند و یک جمعیت بسیار زیادی تشکیل شد و مردم شعار حسین حسین سر می دادند و سینه می‌زدند و مأموران که وحشت کرده بودند ابتدا تیراندازی هوایی کردند و به سمت مردم گاز اشک‌آور پرتاب کردند اما مردم متفرق نمی‌شدند که در همین فاصله به مردم تیراندازی کردند از جمله بلور فروش جنب حرم در کنار حوض شاهچراغ به گردنش تیر خورده بود و خلیل سربی (خواهرزاده آیت الله دستغیب) در سنین جوانی بودند در میدان روبه روی شاهچراغ به شهادت رسیدند مردم در همان زمان دیگر شعار " مرده باد شاه " سر می‌دادند و به مغازه‌های بهائیان و مشروب خانه‌ها حمله ور شدند و پلیس دو نفر دیگر را هم به نام اسدالله پروا و اکبر صادقیان را مورد اصابت تیر قرار داد و ایشان هم شهید

شدند، سپس مردم به سینماهای ایران، پارس و مترو حمله کردند و شیشه‌ها و چراغ‌های آنها را شکستند و شهر از کنترل خارج شده بود که درخواست نیروی کمکی از اصفهان دادند و نیرو اعزام نشد گویا آنجا هم کم از شیراز نداشتند بالاخره ماموران به فرماندهی سروان ایروانی رئیس کلانتری ۴ شیراز و سرگرد صادقیان با ضرب و شتم و مجروح کردن افراد و دستگیری‌های زیاد جمعیت را متفرق می‌کردند اما جمعیت متفرق نمی‌شد و مردم با سنگ و چوب به آنان حمله ور می‌شدند، در اثر آن تعدادی از نیروهای پلیس مجروح شدند و به ناچار مقداری عقب نشینی کردند تا اینکه یک کامیون پر از نیروهای پلیس و یک جیب نظامی که سرهنگ عزلتی در آن سوار بود به جلوی جمعیت رسید، وی از جیب پیاده شد و از مردم خواست متفرق شوند اما وقتی با مقاومت مردم رو به رو شد دستور حمله نیروهای پلیس داد و در نتیجه باعث شد که مردم خشمگین تر شوند و به او حمله کردند و وی را از ناحیه سر مجروح کردند و نیروهای پلیس او را به بیمارستان منتقل کردند و جیب سرهنگ عزلتی دست مردم افتاد و مردم آن را به آتش کشیدند و سپس مردم به سمت چهار راه مشیر رفتند و یک مغازه رنگرزی که متعلق به یک بهائی بود حمله کردند و قوطی‌های رنگ آن را بیرون ریختند و مغازه را تخریب کردند و انبار پیسی کولا هم در خیابان مورد حمله قرار گرفت و شیشه‌های نوشابه را شکستند و سپس مردم به سمت خیابان داریوش توحید فعلی حرکت کردند و تعدادی از مشروب فروشی متعلق به کلیمی‌ها را مورد حمله قرار دادند و به آتش کشیدند در نهایت نیروی‌های نظامی با هجوم به مردم توانستند جمعیت تظاهرات کننده را متفرق کنند، پس از برقراری آرامش در شهر عده زیادی در شیراز توسط ساواک دستگیر و روانه زندان شدند از جمله افراد سرشناس دکتر حیدر علی نجاتی، سید حسین ساجدی، شیخ علی موحد، آیت الله محمود شریعت، صمد فراروئی، محمود پیمان، عباس کریمی، هرمز ممیزی، حسین نیرومندی، محمدباقر نسابه بودند. (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، صفحات ۱۱۸-۱۲۰-۱۲۲-۱۲۴-۱۲۵) و نیز (عرفان منش، ۱۳۷۵، دفتر اول، صفحات ۳۵، ۱۱۵) و نیز (عرفان منش، ۱۳۷۵، دفتر دوم، صفحات ۲۷، ۵۵، ۹۱، ۱۳۶)

شهید آیت الله دستغیب که به مدت دو روز در منزل علی اکبر سبحانی اقامت داشتند تصمیم گرفتند که خود را به ماموران ساواک معرفی کنند و ایشان پس از معرفی به تهران منتقل شد و در زندان عشرت آباد در جمع علمای دیگر بازداشت شدند. (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹) پس از فشارهای زیاد مردم، رژیم تصمیم گرفت که علما را آزاد نماید لذا در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۴۲ آیت الله محلاتی و فرزندش از زندان آزاد شوند راهی شیراز شدند و با استقبال زیادی از سوی مردم مواجه شد و آنها پیاده عازم حرم مطهر شاهچراغ شدند و پس از زیارت حرم مطهر راهی منزل شدند. (شورای نویسندگان، ۱۳۷۹، جلد ۴، ص ۱۴۴) این استقبال باعث شد که ساواک از ورود آیت الله دستغیب، حجت الاسلام مصباحی و سید محمد هاشم دستغیب در تاریخ ۱۹ مهر ماه جلوگیری نمایند و قرار شد تاریخ تغییر داده شود و سپس قرار شد که در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۴۲ آنها آزاد شوند و به صورت مخفیانه با هواپیما به شیراز منتقل شوند تا استقبال

صورت نگیرد اما مردم پس از خبردار شدن از حضور آنها با دادن شعار "سرور ما خوش آمدی" حرکت می‌کردند و مستقیم به حرم شاهچراغ رفتند و پس از زیارت حرم شاهچراغ مستقیم به مسجد جامع عتیق رفتند و حجت الاسلام مصباحی به ایراد سخنرانی پرداختند و از مردم قدردانی نمودند و به افشاگری علیه رژیم پرداختند. (عرفان منش، ۱۳۷۵، دفتر اول، ص ۶۶-۶۷)

شهید آیت الله دستغیب که دست از سخنرانی و افشاگری علیه رژیم بر نمی‌داشتند مجدداً در تاریخ سوم اردیبهشت ۱۳۴۳ دستگیر شدند و با هواپیما به تهران منتقل و زندانی شدند اما مردم و روحانیون شیراز از جمله سید محمود علوی نژاد، شیخ صدرالدین حائری و سیدحسین آیت الله زاده با عزیمت به قم و حمایت امام خمینی و فشار زیاد به رژیم و ساواک در نهایت مجبور شدند در تاریخ ۸ مرداد ۱۳۴۳ ایشان را آزاد و با هواپیما به شیراز منتقل کنند. (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۲۵۰)

لایحه کاپیتولاسیون

در سال‌های ۱۳۴۳ دولت آمریکا حضور مستشاران خود را مشروط به معافیت آنان از محاکمه در دادگاه‌های ایران مطرح نمود و شاه با همکاری حسنعلی منصور لایحه‌ای تحت عنوان کاپیتولاسیون را جهت تصویب به مجلس فرستاد و با توجه به نفوذ زیاد در مجلس این لایحه را به تصویب نمایندگان رسید. پس از تصویب این لایحه امام خمینی در ۴ آبان ۱۳۴۳ در سخنرانی تاریخی خود شاه را مورد حمله قرارداد و دولت و مجلس را فاسد و دست‌نشانده آمریکا و اسرائیل و دشمن اسلام و مردم ایران خواند، و به دنبال این سخنرانی شاه دستور دستگیری و تبعید امام خمینی به ترکیه را صادر کرد. (روحانی، ۱۳۸۹، ص ۷۱۶) و نیز (نجاتی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۵)

جشن هنر

سلسله جشن‌های هنر شیراز که با کارگردانی فرح دیبا همسر شاه به مدت یک دهه در فاصله سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶ طراحی و به اجرا در آمد که زاینده گرایش‌های روشنفکری چپ گرایانه فرح بود که به سیاست‌های کلی رژیم تأثیرات زیادی گذاشت، (شیرین، ۱۳۸۴، ص ۳۷-۳۸) تحصیل در محیط روشنفکری فرانسه موجب علاقه مندی وی به فرهنگ و هنر غربی مدرن و پست مدرن گردید، لذا پس از ورود به دربار ایران این نگرش بر بخش فرهنگی جامعه حاکم گردید. (شوکران، ۱۳۶۹، ص ۱۱۴) جشنهای هنر در شیراز به شکل وقیح تر از سالهای قبل طراحی و اجرا می‌شد که مورد اعتراض مردم و روحانیون می‌شد که از همه آنها بدتر نمایش "خوک، بچه، آتش" بود که توسط گروه هنری اسکوات از عده‌ای از هنرمندانه مجارستانی تشکیل شده بود در شیراز به اجرا درآمد این نمایش در پیاده روهای خیابان‌های

فردوسی شیراز و در مقابل چشمان مردم کوچه و بازار به نمایش درآمد این نمایش در دو صحنه اجرا می‌شد نیمی در پیاده رو خیابان و نیمی دیگر در داخل مغازه شیشه‌ای در یکی از صحنه‌ها چندین بار عمل جنسی مرد با زن به اجرا در آمد و از تلویزیون مدار بسته برای تماشاگران پیاده رو به نمایش درآمد در واکنش به اجرای نمایش مزبور آن هم در ماه رمضان روزنامه اطلاعات (۱۳۵۶/۶/۱) و کیهان (۱۳۵۶/۵/۳۱) به انتقاد شدید پرداختند و روحانیون و علمای شیراز هم واکنش نشان دادند، آیت الله محلاتی بعد از اقامه نماز جماعت در مسجد مولا سخنرانی می‌نماید و می‌گوید خدا لعنت کند مسبین جشن هنر را ... (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۴۷۱) و نیز (مرکز اسناد تاریخی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۳) سپس آیت الله سیدعلی اصغر دستغیب در مسجد الرضا (ع) و بعد از ایشان حجت اسلام پیشوا در مسجد نو در اعتراض به جشن هنر ایراد سخنرانی نمایند. (مرکز اسناد تاریخی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۳) فردای آن روز آیت الله دستغیب که با واکنش شدید تر بر علیه رژیم در مسجد جامع عتیق سخنرانی می‌نماید. (دستغیب، ۱۳۶۳، ص ۴۲)

آیت الله محلاتی از کلیه روحانیون و علما خواستند تا به عنوان اعتراض از روز شنبه ۱۳۵۶/۶/۵ به مساجد نروند و از برگزاری نماز جماعت خودداری نمایند و از علما خواستند تلگرافی با امضای علما و روحانیون مبنی بر تعطیلی و عدم برگزاری جشن هنر در شیراز در سال‌های آینده تهیه به تهران ارسال شود. (مرکز اسناد تاریخی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۹)

در سال ۱۳۵۷ هم می‌خواستند که جشن هنر را برگزار نماید اما با اعتراض شدید آیت الله محلاتی، آیت‌الله دستغیب، آیت الله مصباحی، مساجدی و فلسفی و با تهیه طومار به جمشید آموزگار نخست وزیر وقت و اعتراض‌های فزاینده و ناآرامی و تنها تظاهرات در شهرهای شیراز، اصفهان و تهران یک هفته قبل از شروع جشن هنر دستور تعطیلی آن صادر شد. (شیرین، ۱۳۸۴، ص ۲۷)

جشن‌های ۲۵۰۰ ساله

شاه در رویای تمدن بزرگ و با تاکید بر حمایت آمریکایی‌ها خود را رهبر انقلاب شاه و مردم و محبوب ملت می‌دانست. وی برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود به تقدس بخشیدن به ایران باستان روی آورد. برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در مهرماه ۱۳۵۰ که به پیشنهاد شجاع الدین شفا مشاور فرهنگی دربار که با هزینه‌های گزاف که به گفته وزیر دربار حدود ۱۳۴ میلیون و بر اساس اسناد موجود در رقمی بیش از ۳۸۵ میلیون تومان هزینه گردید باعث اعتراض علما و روحانیون و مردم نسبت به برگزاری این جشن‌ها شد. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۳۸۹-۳۹۱) امام خمینی (ع) که در آن زمان دوران تبعید خود را در عراق سپری مینمود با صدور اعلامیه ضمن مضحک خواندن این جشن‌ها هزینه کردن میلیونها تومان از خزانه مملکت برای این مراسم در حالی که عده زیادی از مردم در فقر به سر

می‌برند محکوم کرد، در بخشی از سخنان اعتراض آمیز ایشان در ۶ خرداد ۱۳۵۰ اظهار داشتند: «از تهران به من نوشته‌اند که در سیستان بلوچستان و اطراف خراسان یک قطعی و گرسنگی شده است که مردم هجوم آورده‌اند به شهرهای بزرگ و از گرسنگی نه حیواناتی دارند و نه حیوان خویش را می‌توانند ذبح کنند. اطراف مملکت ایران در این مصیبت گرفتار هستند و میلیون‌ها تومان خرج جشن شاهنشاهی می‌شود، از قراری که یکجائی نوشته بود برای جشن خود تهران ۸۰ میلیون تومان اختصاص داده‌اند. کارشناس‌های اسرائیلی برای این تشریفیات دعوت شده‌اند و مشغول به پا داشتن این جشن‌ها هستند، اسرائیلی هادشمن اسلام هستند والان در حال جنگ با اسلام هستند.» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ص ۱۶۷-۱۶۸)

ایشان به رهبران کشورهای اسلامی تذکر دادند تا از شرکت در این جشن‌ها خودداری کنند: به ممالک دیگر اسلام، به اینهایی که می‌خواهند در این جشن زهرماری شرکت کنند و در خون ملت ایران شرکت کنند، به اینها نوشته شود که آقا نروید، این جشن، جشن کثیفی است، نروید در این جشن شاید تاثیر بگذارد، بساط این جشن توسط کارشناسان اسرائیلی دارند این عمل را می‌کنند، نروید. (امام خمینی، ۱۳۶۱، ص ۱۷۲) امام خمینی که در آن زمان دوران تبعید خود را در عراق سپری می‌نمود با صدور اعلامیه ضمن مضحک خواندن این جشن‌ها هزینه کردن میلیون‌ها تومان از خزانه مملکت برای این مراسم در حالی که عده زیادی از مردم در فقر به سر می‌برند محکوم کرد علما و روحانیون زنجان، گیلان، بجنورد، مشهد، سبزوار، یزد، مازندران، قائنات و شیراز با ارسال تلگرام‌هایی به دولت نسبت به برگزاری جشن‌ها و مخارج آن اعتراض کردند روحانیون و طلاب غیر ایرانی حوزه نجف از جمله روحانیون بلوچ، هندوستان، پاکستان، بلخ، و... از این مسئله اعلام انزجار نمودند. (ماکوئی، ۱۳۷۹، ص ۷۴-۷۷) روزنامه‌های سوئیس که همواره از ولخرجی‌های دربار پهلوی گزارش انتقادی منتشر می‌کردند همزمان با برگزاری جشن‌ها در تخت جمشید انتقادات خود را به اوج رساندند. (صیمی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۵) خبرگزاری آسوشیتد پرس از لندن همچنین گفت از نظر تهیه غذا نیز حادثه‌ای در جهان به شمار می‌رود زیرا ۵۰ تن خاویار ایران به این جشن‌ها اختصاص داده شده است. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۱۵۸) رادیو بغداد به مناسبت برگزاری جشن مذکور در روز ۱۳/۰۷/۱۳۵۰ مطالبی به شرح ذیل بخش نمود: شنوندگان عزیز با روشن شدن چراغ‌های غم در ایران از امشب نیز برنامه‌های خود را به بررسی همین جشن، رتبه‌های تاریخی آن علت برگزاری و ماهیت پلید آن تخصص خواهیم داد. از امشب تا شب‌های جشن، برنامه دو ساعته ما ویژه جشن جنایات شاهان خواهد بود، این بی نظیر به هر انسان آزاده‌ای تکلیف می‌کند تا سر حد امکان مبارزه کند.

شاه در واکنش به انتقادات مزبور ضمن شرکت در یک مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران فرانسوی چنین گفت: اینها دیگر چه گلایه و شکایتی دارند؟ ما برای برخی از سران کشورها و میهمانان فقط دو بار ضیافت و میهمانی برگزار خواهیم کرد. (نجاتی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۰) در ادامه افزود: در هر صورت من

توجهی به گفته‌های انتقادکنندگان که خود کاری نمی‌کنند و فقط حرف می‌زنند ندارم، آنچه مورد توجه من است، قضاوت تاریخ و وضع زندگی مردم است. مقامات حکومتی به منظور مقابله با انتقادات مزبور ضمن دستگیری و بازداشت توزیع‌کنندگان نشریات و اعلامیه‌های انتقادی در داخل با انتشار و بولتن‌های تبلیغاتی و انتشار مطالب از طریق مطبوعات و رادیو تلویزیون درصدد توجه افکار عمومی برآمدند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۶۲)

شاه، فرح و هیئت همراه یک روز قبل از آغاز جشن در پاسارگاد، در ۱۹ مهر ۱۳۵۰ وارد شیراز شده و در آغاز به زیارت حرم مطهر احمدبن موسی (ع) شاه چراغ رفتند و سپس با اقامت در باغ ارم خود را برای آغاز جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در روز بعد آماده کردند. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۰/۰۷/۲۰)

علمای تاثیر گذار شیراز در انقلاب

سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ فضای امنیتی شدیدی در جامعه حاکم بود و در پی آن با توجه به سخنرانی‌های تند آیت الله سید عبدالحسین دستغیب در مورد اوضاع فرهنگی و اجتماعی موجود و زیر سؤال بردن حکومت و شخص شاه، در تاریخ ۶ آذر ۱۳۵۲ ممنوع‌المنبر گردید. و علت این امر از سوی حکومت "مبادرت و اظهارات خلاف" اعلام گردید. (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۳۶۹-۳۷۰) تا اینکه در آستانه اوج گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ مجدداً ایشان فعالیت خود را آغاز نمودند. (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۴۸۱)

علاوه بر شهید آیت الله دستغیب که یکی از رهبران معترضین در شیراز بود. علمای دیگری نیز در این جبهه فعالانه وارد شده بودند. در اینجا به برخی از مهمترین علما اشاره می‌کنیم:

آیت الله بهالدین محلاتی: در طول سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ با توجه به فضای امنیتی شدید در جامعه فعالیت‌های خود را ادامه می‌دادند و فعالیت‌های ایشان از دید ماموران ساواک مخفی نمی‌ماند و در گزارش هایشان، ایشان را به عنوان یکی از روحانیون تراز اول که بین مردم نفوذ فراوانی دارد یاد می‌کردند در گزارش ساواک فارس ۱۳۵۴/۰۵/۲۳ در مورد ایشان آمده است: "وی از مخالفان می‌باشد که بعضاً اکثر تحرکات روحانیون فارس را با کمک فرزند خود مجدالدین محلاتی پی ریزی می‌نماید، لیکن آشکارا فعالیت حادی ندارد.

آیت الله عبدالرحیم ربانی شیرازی: به دلیل فعالیت‌های ضد رژیم شاهنشاهی در سال ۱۳۵۲ دستگیر و روانه زندان شدند و به مدت سه سال در زندان به سر می‌بردند تا اینکه در تاریخ ۱۳۵۵/۱۰/۲۶ آزاد شدند و با اوج گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ مجدداً ایشان دستگیر و به ترتیب به شهرهای کاشمر، فیروزآباد فارس، سردشت، جیرفت تبعید شدند و تا آخرین ماه‌های حکومت پهلوی در تبعید به سر می‌بردند. (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، کتاب شانزدهم، صفحات ۳۲۴-۳۲۵، ۳۳۳، ۳۳۸-۳۴۰، ۴۴۰، ۴۵۷) (الهی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۷)

حجت اسلام مجدالدین محلاتی: ایشان دلیل فعالیت‌های سیاسی ضد رژیم طی سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۹ به سختی فعالیت می‌کردند تا اینکه در سال ۱۳۴۹ از طرف ساواک وی ممنوع المنبر شدند که با دخالت آیت الله خوانساری و رایزنی مقامات مسؤل در مرکز، ممنوعیت سخنرانی وی لغو گردید، اما با توجه به ادامه فعالیت‌های ایشان در سال ۱۳۵۱ دستگیر و به ایرانشهر تبعید شدند و تا سال ۱۳۵۶ در تبعید بودند و پس از بازگشت در سال ۱۳۵۶ در آستانه انقلاب اسلامی مجدداً فعالیت‌های خود را شدت دادند. (طاهری، ۱۳۷۶ ص ۱۰۸)

حجت الاسلام سید علی اصغر دستغیب: ایشان به دلیل فعالیت‌های سیاسی علیه نظام شاهنشاهی و فشارهای دستگاه‌های امنیتی و به خصوص ساواک به شدت در طی سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۱ فعالیت داشتند تا اینکه در سال ۱۳۵۱ توسط ماموران ساواک دستگیر شدند و روانه زندان عادل آباد شیراز شدند پس از آزادی که پیش‌نماز مسجدالرضا^(ع) بودند و به علت نزدیکی مسجد با خوابگاه دانشجویان در مسجد مزبور حضور می‌یافتند و مسجد به کانون فعالیت سیاسی مخالفت با رژیم بود و ایشان علاوه بر فعالیت سیاسی در شهر و ارتباط با مردم و همچنین به دلیل ارتباط شدید سیاسی در دانشگاه در سال ۱۳۵۱ از سوی کمیته مشترک ضد خرابکاری دستگیر شدند و توسط ماموران ساواک مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفتند و پس از مدتی آزاد شدند و مجدداً به دلیل فعالیت‌های سیاسی ایشان مدتی هم به شهر سراوان بلوچستان و بندر لنگه تبعید شدند. (دستغیب ۱۳۷۸، صفحات ۲۳، ۲۴، ۲۵-۲۹، ۳۷-۴۵)

علاوه بر شخصیت‌های مذکور، علما و روحانیونی همچون آیت الله سید جعفر طاهری، حجت الاسلام سید محمد هاشم دستغیب، آیت الله سید محمد امام، حجت اسلام مجدالدین جابری، حاج حسین انوار، آیت الله محمود علوی و... در مساجد و محافل مذهبی فعالیت‌های سیاسی در طی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ در مخالفت با رژیم داشتند که برخی از آنان بارها دستگیر، بازداشت و تبعید شدند. لذا فعالیت‌های سیاسی به خصوص در سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ در سختی و با فشارهای شدید ماموران ساواک صورت می‌گرفت.

واکنش مردم شیراز در قبال درگذشت دکتر شریعتی

دکتر علی شریعتی، جامعه‌شناسان و سخنور معروف در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ در لندن درگذشت. وی در اردیبهشت ۱۳۵۶ در حالی که تحت فشار نیروهای امنیتی ساواک بود، مخفیانه از ایران خارج شد، مرگ مشکوک وی که بیش از یک ماه از خروج او از ایران نگذشته بود این موضوع را در اذهان و محافل داخلی و خارجی خطور داد که ممکن است این اقدام توطئه‌ای طراحی شده از جانب ساواک باشد، آنچه این دیدگاه را تقویت می‌کرد، مسئله ممانعت ساواک از خروج همسر و فرزند کوچک وی پس از اطلاع از خروج او از کشور بود. در واکنش به انتشار خبر درگذشت دکتر شریعتی واکنش‌هایی در تهران و شهرهای

ایران به وجود آمد، در شیراز توسط سید جعفر عباس زادگان اجازه برگزاری مراسم ترحیم دکتر شریعتی از ساواک گرفته شد، این مراسم از مسجد نو «مسجد شهدا» برگزار گردید، حجت اسلام مجدالدین مصباحی منبر رفت، و در انتهای جلسه با ذکر «صلوات بر خمینی» و «درود بر خمینی» پایان یافت. جمعیت زیادی از حاضرین ضمن سردادن شعار «درود بر خمینی» از مسجد به سوی میدان احمدی مقابل شاهچراغ به راه افتادند و مختصر درگیری هم با نیروهای پلیس و تظاهرات کنندگان به وجود آمده تعدادی مغازه مشروب فروشی حمله قرار گرفت و به آتش کشیده شد، این اقدام که اولین حرکت عمومی در سطح جامعه و نخستین تظاهرات در سال ۱۳۵۶ در شیراز بود، در محافل سیاسی و داخلی و خارجی به عنوان یک حرکت مخالفت آمیز با رژیم شاه انعکاس یافت. (طاهری، ۱۳۷۶، ص ۹۸)

اعتصاب روحانیون و دانشجویان در پاریس و انعکاس آن در شیراز

گروهی از روحانیون و دانشجویان ایرانی خارج از کشور در ۹ مهر ۱۳۵۶ اعتصاب غذایی یک هفته خود را در کلیسای سن مری پاریس آغاز کردند. آنها به خاطر شرایط خفقان بار و ضد اسلامی حاکم بر ایران و به منظور اعتراض به جنایات رژیم پهلوی دست به اقدامات مزبور زدند. از جمله مهم‌ترین درخواست‌های آنان عبارتند از پایان دادن به تبعید آیت الله خمینی، آزادی زندانیان سیاسی در ایران، پایان بخشیدن به ترور و اعدام مخالفان، انحلال ساواک، آزادی مطبوعات و تشکیل کمیته حقوق بشر به منظور رسیدگی به وضع کلیه متهمین و زندانیان سیاسی در ایران بود، این اعتصاب در محافل خارجی و داخلی انعکاس زیادی پیدا کرده بود و مورد حمایت جناح‌ها و گروه‌های سیاسی مختلف قرار گرفت. (حوزه هنری، ۱۳۷۷، ص ۴۵-۶۵) در حمایت از روحانیون و دانشجویان اعتصاب کننده، جمعی از مردم شهرهای مختلف ایران دست به تظاهرات زدند، در شیراز با انتشار اعلامیه‌ای از مردم سراسر فارس خواسته شد تا به منظور حمایت از متحصنین کلیسای سن مری پاریس با اجتماع در حرم شاهچراغ مراسم دعا و سخنرانی برگزار کنند. (طاهری، ۱۳۷۶، ص ۹۹) از آنجایی که به مأموران پلیس دستوراتی مبنی بر شدت برخورد با مردم و تاکید بر دستگیری محرکین داده شده بود، آنها قبل از تشکیل مراسم وارد عمل شدند و ابتدا سیدعلی اصغر دستغیب را که قرار بود در آن اجتماع سخنرانی کند در حین عزیمت با اتومبیل به شاهچراغ در میان راه دستگیر و به کلانتری ۷ شیراز در خیابان صاحب دیوانی منتقل کردند و علاوه بر این از اجتماع مردم در شاهچراغ جلوگیری به عمل آوردند. (دستغیب، ۱۳۷۸، ص ۳۴)

رجبعلی طاهری از سازمان‌دهندگان تجمع مزبور می‌نویسند: چون پیش بینی می‌شد که مأموران حکومتی مانع تظاهرات شوند لازم بود گروه‌های مختلفی را از پیش سازماندهی شده و با سر دادن شعار و پخش اعلامیه تظاهرات را آغاز نمایند و به محض حضور مأموران با قرار قبلی از صحنه گریخته و مدتی بعد دوباره در محل درگیری همین اقدام را انجام دهند. به همین منظور عده‌ای از جوانان شهرستان‌های

کازرون و فسا به شیراز آمده و برنامه‌ها به همان ترتیب به اجرا درآمد. (طاهری، ۱۳۷۶، ص ۹۹)

در این تظاهرات که مردم با سر دادن شعار به خیابان‌ها ریخته بودند با حمله به اماکن همچون سینماها و مشروب فروشی‌ها دامنه فعالیت خود را گسترش دادند. (دستغیب، ۱۳۷۸، ص ۳۴) برخی از گزارش‌ها حاکی است که در این تظاهرات که بیش از ۱۵ هزار نفر در آن شرکت کرده بودند در اثر حمله پلیس ۷۰ نفر زخمی و ۲۰۰ نفر بازداشت و خبر این تظاهرات به طور گسترده‌ای در رسانه‌های داخلی و خارجی انعکاس یافت. (طاهری، ۱۳۷۶، ص ۹۹)

مجالس یادبود در گذشت سید مصطفی خمینی در شیراز

سید مصطفی خمینی فرزند ارشد امام خمینی در اول آبان ۱۳۵۶ در نجف به طور مرموزی درگذشت. انتشار این خبر انعکاس گسترده در ایران و در محافل خارج از کشور پیدا کرد و واکنش‌هایی را به دنبال داشت و از طرف علما و روحانیون در قم، تهران و سایر شهرها مراسم ترحیم برگزار گردید. در شیراز نیز مجلسی از طرف علما و روحانیون پس از اعلام یک روز تعطیلی در روز دوشنبه دوم آبان ۱۳۵۶ در مسجد مولا در خیابان کریمخان زند با حضور علما و روحانیون برجسته همچون آیت الله بهاء الدین محلاتی، آیت الله دستغیب، شیخ مجدالدین محلاتی، سید احمد پیشوا، سید علی اصغر دستغیب، سید کاظم آیت اللهی، سید حسین آیت اللهی، صدرالدین حائری، شیخ علی موحد و... تشکیل شد. (دستغیب، ۱۳۷۸، ص ۹۵-۹۶) در پنجم آبان ماه آیت الله دستغیب در مسجد جامع عتیق پس از اقامه نماز جماعت مغرب و عشاء به منبر رفتند و ضمن سخنرانی، از فضایل مرحوم سید مصطفی خمینی سخن گفتند در پایان برای سلامتی امام خمینی و طلب صبر برای ایشان دعا کردند. (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۵۱۲) در چهارم آذر هم سید علی اصغر دستغیب در مسجد الرضا که حدود ۵۰۰ نفر که قالب آنها جوانان و دانشجویان بودند پس از اقامه نماز مغرب و عشاء به منبر رفتند و سخنرانی مبسوطی داشتند و ضمن یاد سید مصطفی خمینی در پایان برای سلامتی امام خمینی دعا کرده و از حاضران در مجلس خواستند و برای ملت فلسطین دعا کنند و در هنگام خروج نمازگزاران از مسجد با سردادن شعار "درود بر خمینی" و "سلام بر خمینی" به خیابان‌ها ریختند و عده‌ای هم حمله به سینما و مشروب فروشی‌ها کردند و تظاهرات و وقایع مردم در مطبوعات انعکاس پیدا کرد. (دستغیب، ۱۳۷۸، ص ۳۶-۳۷)

مراسم چهلم درگذشت سید مصطفی خمینی در شیراز در روز ۱۳۵۶/۰۹/۱۱ در مسجد جامع برگزار شد در این مراسم شیخ علی گرامی که از قم دعوت شده بودند، سخنرانی کردند و ایشان از امام خمینی^(ع) و مرجعیت ایشان سخن گفتند و سپس در خصوص نقش علما در جنبش‌های سیاسی تاریخ معاصر صحبت نمودند. (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۵۱۱، ۵۱۵) و در پایان این مراسم نیز همانند سابق حاضران ضمن

سردادن شعار علیه رژیم و به حمایت از آیت الله خمینی^(ه) اقدام به راهپیمایی کردند. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۱) ادامه مراسم مزبور در راهپیمایی ها، واکنش شاه و مقامات مرکزی را برانگیخت، لذا با دستور به مقامات امنیتی محرکین و مسببین این حرکتها مورد تعقیب قرار گرفتند. از این رو در روز ۱۸ آذر ۱۳۵۶ سید علی اصغر دستغیب دستگیر شدند و پس از محاکمه در دادگستری در زندان عادل آباد شیراز زندانی شدند و بعد از ایشان دو تن از فعالان سیاسی یعنی سید جعفر عباس زادگان و رجبعلی طاهری نیز دستگیر شدند. (دستغیب، ۱۳۷۸، ص ۳۷-۳۹، ص ۴۲) آیت الله ربانی شیرازی هم در مراسم دیگری در ۲۴ آذر ۱۳۵۶ که سخنان تندى علیه رژیم ایراد کردند، دستگیر شدند و به تهران انتقال یافتند و سپس زندانی شدند. (حوزه هنری، ۱۳۷۷، جلد ۲، ص ۳۵۰)

واکنش مردم شیراز به انتشار مقاله توهین آمیز روزنامه اطلاعات

در ۱۷ دی ۱۳۵۶ در روزنامه اطلاعات مقاله‌ای با عنوان " ایران و استعمار سرخ و سیاه " به قلم فردی به نام احمد رشیدی مطلق به دستور شاه چاپ گردید که در این مقاله به امام خمینی اهانت و ایشان را مورد حمله قرار داد. (نجاتی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۳) از این رو مردم تهران و سایر شهرها با موجی از اعتراضات و تظاهرات دامنه‌دار را شکل دادند. در شیراز در شب ۲۲ دی ماه مردم در واکنش به خاک و خون کشیدن مردم قم توسط ماموران رژیم پهلوی که باعث مجروح و کشته شدن تعداد کثیری از هموطنان شده بود به دلیل اینکه به دعوت آیت الله دستغیب در مسجد جامع عتیق اجتماع کردند و پس از سخنرانی ایشان و دعا برای سلامتی امام خمینی به حرم مطهر شاهچراغ آمدند و با سر دادن شعار زنده باد خمینی و مرگ بر شاه راه انداختند و سپس به میدان جلو حرم شاهچراغ و با حرکت دست جمعی به خیابان‌های اطراف و برخی موسسات دولتی و بانک صادرات، شرکت واحد اتوبوسرانی و شیشه‌های یک اتومبیل پلیس را تخریب کردند و در پی این حادثه پلیس چندین نفر را دستگیر نمود. (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۵۱۷) در شب ۲۳ دی نیز حجت الاسلام مجدالدین محلاتی در مسجد ولی عصر واقع در خیابان داریوش " توحید فعلی " مبادرت به سخنرانی کردند، بنابر گزارش ساواک و شیراز وی ضمن تایید و حمایت از آیت الله خمینی^(ه) برای سلامتی ایشان دعا نمودند و مردم در هنگام خروج شروع به سر دادن شعار " مرگ بر شاه " و " زنده باد خمینی " نمودند که در نتیجه با مداخله پلیس تظاهرات کنندگان متفرق شدند، اما ۱۹ نفر از شعار دهندگان به دست نیروهای شهرداری دستگیر شدند. در ۲۴ دی ماه ۱۳۵۶ مجددا سید احمدپیشوا در مسجد نوسخترانی کردند اما به دلیل اینکه نیروهای پلیس شهرداری از محل برگزاری مراسم از قبل اطلاع داشتند، با محاصره مسجد از تظاهرات جلوگیری کردند.

در جهت بزرگداشت شهدای قم در روز ۲۷ بهمن ۱۳۵۶ آیت الله دستغیب در مسجد جامع، سیدعلی اصغر دستغیب در مسجد الرضا، سید احمد پیشوا در مسجد نو و مجدالدین محلاتی در مسجد ولیعصر(عج) ضمن

ایراد سخنرانی در خصوص وقایع اتفاق افتاده و اعلام فتوای آیت الله محلاتی مبنی بر عزای عمومی در تاریخ ۲۲ بهمن و تعطیلی بازار از مردم خواستند که در مراسم ترحیم شهدا شرکت نماید و در ۲۹ بهمن بازار شیراز تعطیل گردید و مردم در مساجد حضور یافتند. (سعادت، ۱۳۷۷، ص ۶۰۳) در ۲۹ بهمن در تبریز مراسم چهارم شهدای قم با درگیری با ماموران رژیم باعث کشته شدن تعداد زیادی از مردم شد که در تاریخ ۳۰ بهمن مراسمی در جهت دفاع از مردم بی گناه در مسجد مولا با سخنرانی آیت الله محلاتی صورت گرفت و به شدت رژیم پهلوی را مورد انتقاد قرار دادند. (حسینیان، ۱۳۸۵، ص ۱۷۳)

تظاهرات مردم شیراز در آستانه چهارم شهدای شیراز

در روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۷ مردم شیراز برای بزرگداشت شهدای شیراز دست به یک تظاهرات گسترده زدند، ابتدا ساعت ۹ صبح گروهی از هنرجویان دانشسرای راهنمایی با حضور و همراهی مردم دست به تظاهرات زدند و ضمن سر دادن شعار در مسیر خود شیشه‌های بانک صادرات شعبه آستانه را شکستند و با دخالت پلیس و دستگیری شش نفر از هنرجویان جمعیت متفرق شدند. در بعد از ظهر ۱۸ اردیبهشت عده‌ای از دانشجویان دانشکده کشاورزی به پشتیبانی از هنرجویان دانشسرای راهنمایی شیراز دست به تظاهرات زدند آنها در حرم مطهر شاهچراغ تجمع کردند و سپس با سردادن شعار در میدان احمدی مقابل حرم شاهچراغ آمدند و با سنگ شیشه‌های اتومبیل پلیس و یک دستگاه ماشین آتش نشانی را شکستن؛ شیشه‌های بانک ملی شعبه شاهچراغ نیز شکسته شد و به سمت ماموران سنگ پرتاب کردند که در نتیجه این تظاهرات پلیس ۱۴ نفر از دانشجویان را دستگیر کردند. (نصیری طیبی، ۱۳۹۳، ص ۵۴۳-۵۴۴) مردم پس از اقامه نماز مغرب و عشاء در مساجد به خصوص مساجد نور، جامع عتیق، مسجد نو مسجدالرضا، مسجد ولیعصر، مسجد حبیب، مسجد مولا در اعتراض به اقدامات رژیم دائماً اعتراض و تظاهرات داشتند از جمله آنها در مسجد جامع عتیق در تاریخ ۱۳۵۷/۴/۱۲ سخنرانی آیت الله دستغیب و دعای کمیل که ایشان را مورد حمله قرار دادند و اعلام کردند که ما امسال از برگزاری جشن هنر در شیراز به هر نحو ممکن جلوگیری به عمل می‌آوریم (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۵۳۸) به سمت حرم شاهچراغ حرکت کردند پس از تجمع در حرم شاهچراغ و سر دادن شعارهای مرگ بر شاه و زنده باد خمینی به میدان احمدی مقابل حرم شاهچراغ آمدند و از آنجا به خیابان‌های اطراف حرم رفتند و با دخالت پلیس و درگیری بین آنها تظاهرات تا پاسی از شب ادامه داشت. (حسینیان، ۱۳۸۵، ص ۵۳۸)

بنا به گزارش ساواک در تاریخ ۱۳۵۷/۴/۱۷ روحانیون از جمله آیت الله دستغیب، آیت الله محلاتی، حجت الاسلام مجدالدین محلاتی، سید مجدالدین مصباحی، سید احمد ساجدی، شیخ عیسی فلسفی و... اعلام کردند که برای مقابله با برگزاری جشن هنر در شیراز تشکیلاتی تحت عنوان "اتحادیه روحانیون شیراز" به وجود آورده‌اند.

حادثه پنجم رمضان مسجد نو

گسترش دامنه اعتراض‌های مردم شیراز بویژه چند تظاهرات پی در پی که مبدا آن مسجد نو شیراز بود، مقامات حکومتی را به خشم و داشت علاوه بر این، از آنجایی که موعد برگزاری جشن هنر هم که قرار بود از روز عید فطر آغاز شود، برقراری نظم و امنیت و سرکوب مخالف‌ها با برگزاری جشن مزبور برای مقامات محلی حیاتی می‌نمود از این رو در پنجمین روز ماه رمضان با حمله به معترضان در مسجد نو، مخالفان را به خاک و خون کشیدند، چنین اقدامی در تاریخ شیراز پس از وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بی سابقه بود، اما ماجرا از آنجا آغاز شد که در روز ۱۹ مرداد ۱۳۵۷ برابر پنجم رمضان بنا به دعوت آیت الله بهاء‌الدین محلاتی عده زیادی از مردم در مسجد نو اجتماع کردند و سید احمد پیشوا برای آنان سخنرانی مبسوطی بر علیه رژیم پهلوی کردند و پس از خاتمه سخنرانی مأموران به مردم حمله کردند و آنها را به خاک و خون کشیدند و سپس مردم در اعتراض به این حادثه در حرم شاهچراغ تجمع کردند و با سر دادن شعار به سمت میدان احمدی مقابل شاه چراغ آمدند و از آنجا به خیابان حضرتی رفتند که با دخالت پلیس و زد و خورد شدید تعداد بسیار زیادی مجروح و کشته شدند و پلیس عده‌ای را هم دستگیر نمود. (حسینیان، ۱۳۸۵، ص ۲۶۹) در یکی از گزارش‌های ساواک در مورد تظاهرات مزبور چنین آمده است: «در حدود هشت هزار نفر از قشریون مذهبی و عناصر اخلاک گر در شهر شیراز به تظاهرات اخلاک گرانه مبادرت کردند که در نتیجه مقابله مأموران با اخلاک گر در شهر شیراز به تظاهرات اخلاک گرانه مبادرت کردند که در نتیجه مقابله مأموران با اخلاک گران ۱۵ نفر در اثر اثبات گلوله مجروح و دو نوجوان یکی ۱۲ ساله و دیگری ۱۰ ساله کشته شدند». (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۲۶۳)

بر اساس گزارش دیگر ساواک در این حادثه بیست نفر از تظاهرات کنندگان و ۳۳ نفر از مأموران مجروح و ۹۸ نفر توسط مأموران دستگیر شدند. روزنامه نوید در خصوص این حادثه نوشت: تیراندازی و درگیری که از ساعت ۲ بعدازظهر شروع شده بود در محوطه و صحن شاهچراغ و خیابانهای اطراف پنج ساعت ادامه یافت تنها در فاصله بین مسجد و حرم شاهچراغ ۲۰۰ نفر بر اثر گلوله مجروح و دهها نفر هم کشته شدند و تظاهرات کنندگان یک جیب و یک کامیون ارتش را به آتش کشیدند، کماندوهای ارتش پس از ساعاتها درگیری به یاری هلیکوپترهای مجهز به مسلسل مردم مجروح و خسته را به عقب راندند و تعداد بسیاری را دستگیر کردند. (روزنامه نوید، ۱۳۵۷/۵/۲۲) در واکنش به این واقعه علمای شیراز با اجتماع در منزل آیت الله بهاء‌الدین محلاتی با صدور اعلامیه‌ای روز ۱۳۵۷/۵/۲۱ را عزای عمومی اعلام کردند و در این اعلامیه اظهار داشتند که اکنون از این حکومتی که مدعی مسلمانی و اعطای آزادی است سوال می‌کنیم با چه مجوزی و با چه ضابطه‌ای مرتکب این عمل وحشیانه شده و مردم را به خاک و خون کشیدند بدین وسیله مراتب نفرت خود را اعلام میدارد تا جهانیان از وضع اسف انگیزی که بر مردم

مسلمان ایران می‌گذرد آگاه باشند. در روز ۱۳۵۷/۵/۲۲ امام خمینی^(ره) به مناسبت کشتار مردم در شیراز و اصفهان پیامی خطاب به ملت ایران از نجف فرستادند.

اعلام تعطیلی جشن هنر شیراز

اعتراض‌ها و مخالفت‌هایی که از خرداد ۱۳۵۷ در ارتباط با برگزاری جشن هنر شیراز آغاز شده بود و در نهایت به تظاهرات گسترده ماه رمضان و سرکوب خونین معترضین منجر شده بود، سرانجام رژیم را به تسلیم در برابر خواسته‌های مخالفان وادار نمود، لذا سازمان جشن هنر اعلام نمود به علت وقوع حوادث اخیر در شهرهای اصفهان و شیراز، جشن هنر شیراز و دومین جشن فرهنگ مردم اصفهان امسال برگزار نخواهد شد، در واقع شریف امامی در نظر داشت که با دادن امتیاز، اعتراض‌ها را خاموش کند. (نصیری طیبی، ۱۳۹۳، ص ۵۶۵) در روز ۷ شهریور نیز در مسجد باقر آباد شیراز ۲ تن از وعاظ به نام‌های سید فخرالدین و سید مجدالدین طاهری، ضمن ایراد سخنرانی به انتقاد شدید از رژیم پرداختند که در نتیجه پس از خاتمه مراسم هر دو از سوی ساواک دستگیر شدند و سپس مردم در مسجد جامع شیراز تجمع نمودند و تظاهراتی از مقابل مسجد به راه انداختند و مردم شعار بر ضد رژیم سر می‌دادند. (حسینیان، ۱۳۸۵، ص ۳۰۱)

تظاهرات روز عید فطر

در روز ۱۲ شهریور ۱۳۵۷ در آستانه عید فطر روحانیون و علمای شیراز در مساجد خود به سخنرانی بر علیه رژیم پهلوی پرداختند بنابه گزارش ساواک مردم از ساعت ۱۴ لغایت ۱۵:۳۰ در مسجد باقرآباد که حدود ۲ هزار نفر حضور داشتند اجتماع نمودند و سید فخرالدین طاهری به سخنرانی در خصوص تشکیل حکومت اسلامی در کشور و اقدامات رژیم پهلوی در خصوص برخورد با روحانیون و مردم انقلابی و دستگیری و شکنجه آنها صحبت کردند و در انتها از مردم خواستند به صورت دسته جمعی به حرم مطهر شاهچراغ بروند و در حیاط و صحن تجمع نمایند مردم با سردادن شعارهای "الله اکبر". "درد بر خمینی" و... به آنجا رفتند و سپس به درخواست سید فخرالدین طاهری مردم که حدود ۶ هزار نفر بودند به مسجد ولیعصر خیابان داریوش "توحید" رفتند و در آنجا شیخ مجدالدین مصباحی سخنرانی کردند و به مخالفت با رژیم پرداختند و از مردم خواستند که فردا یعنی ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ روز عید فطر در نماز عید سعید فطر در مسجد جامع عتیق ساعت ۸ بامداد حضور یابند. فردای آن روز مردم از ابتدای صبح به مناسبت نماز عید فطر در مسجد جامع عتیق حضور یافتند و نماز راس ساعت ۸ بامداد به امامت آیت الله دستغیب برگزار شد و سپس ایشان به منبر رفتند و با سخنرانی قاطع و مبسوط درخصوص مبارزات آزادی خواهانه مردم ایران و اتحاد و برادری بین مردم صحبت کردند و خطاب به افراد مسلح اظهار داشتند که

کاری نکنید که فردا منابر از شما با لعنت یاد کنند پس از سخنرانی ایشان از مردم که در مسجد و کوچه‌های اطراف تجمع کرده بودند خواستند که به حرم شاهچراغ بروند و از آنجا با حضور در میدان احمدی مقابل حرم مطهر تظاهرات را آغاز نمایند حدود ۱۰۰ هزار نفر با سر دادن شعارهای "الله اکبر"، "درود بر خمینی" و "مرگ بر شاه" و... به سمت خیابان‌های سه راه پهلوی، خیابان زند، فلکه ستاد، پارامونت و خیابان لطفعلی خان زند و... رفتند و در طول راهپیمایی پلیس پشت صفوف در حرکت بود اما درگیری به وجود نیامد و در تاریخ شانزدهم شهریور بازاریان شیراز اعتصاب کردند و شهر کاملاً به صورت تعطیل درآمد. (نصیری طیبی، ۱۳۹۳، ص ۵۶۹-۵۷۱)

در تاریخ ۱۹ شهریور در حالی که اطلاعیه‌ای از جانب علما و روحانیت شیراز مبنی بر عزای عمومی تا اطلاع ثانوی پخش شد، اقدام ساواک به دستگیری آیت الله دستغیب، سید مجدالدین مصباحی و شیخ صدرالدین حائری نمود و از همان روز اعتصاب‌ها پی در پی آغاز شد در روز ۱۹ شهریور بازار اعتصاب نمود. در روز ۲۰ شهریور ۱۳۵۷، تظاهرات گسترده‌ای در شیراز برگزار شد، در این تظاهرات که بیش از ۲۰ هزار نفر از مردم شرکت داشتند، با خود شعار نوشته‌هایی حمل می‌کردند و علما و روحانیون در پیشاپیش جمعیت حرکت می‌کردند، جمعیت از مسجد نو و میدان احمدی مقابل حرم شاهچراغ (ع) به حرکت در آمدند و با سردادن شعار از خیابان لطفعلی خان زند، مشیر فاطمی، کریم خان زند گذشتند و وارد مسجد ولی عصر در خیابان داریوش "توحید فعلی" شدند، با توجه به اینکه مسجد جوابگوی این جمعیت نبود بسیاری از مردم در خیابان داریوش اجتماع کردند، در آن روز سید مجدالدین مصباحی به ایراد سخنرانی پرداختند و ایشان سخنرانی شدیدی بر علیه رژیم داشتند و گفتند: "ما با اسلحه حق به جنگ می‌رویم و مطمئن هستیم که پیروزی با ما خواهد بود، البته قبل از شروع این راهپیمایی، مراسم غبار رویی حرم احمد بن موسی شاهچراغ (ع) با حضور منوچهر آزمون که در کابینه شریف امامی به سمت وزیر مشاور برگزیده شده بود و چندین نفر از مقامات استانی و... برگزار گردید، که در مراسم حجت الاسلام فخرالمحققین ضمن سخنانی در مورد حوادث اخیر ایران گفتند: اوضاع ایران لازم به گفتن نیست، طشت از بام افتاده‌ای است که صدای آن به هر جا رسیده است. علت اصلی این حوادث شکاف عمیقی است که بین رهبران مذهبی و زمامداران سیاسی به وجود آمده است. حالا آقایان آمده‌اند از خواب بیدار شوند، و بفهمند که سالها بیراهه رفته‌اند که تا لب پرتگاه رسیده‌اند و مردم وعده می‌دهند که خط مشی را عوض می‌کنند و سیاست را با روحانیت وفق خواهند داد. آزمون نیز اظهار نمود که مقدمات بر طرف کردن نارسائی‌ها آغاز شده است و ما جامعه روحانیت را محترم می‌شماریم و در صدد هستیم که با کمک و مساعدت جامعه روحانیت به رفع مشکلات جامعه اسلامی بپردازیم. (نصیری طیبی، ۱۳۹۳، ص ۵۶۶ - ۵۶۸)

در روز ۲۶ شهریور کارخانه بریجستون، در روز ۲۳ شهریور دانشجویان دانشگاه پهلوی، در روز ۲۸ شهریور زندانیان سیاسی زندان عادل آباد، در ۹ مهر دانش آموزان دبیرستان شاهپور، در ۱۲ مهر کارکنان

کارخانه سیمان و شرکت بیمه ایران در روز ۱۳ مهر دانش آموزان دبیرستان دکتر هشترودی، در روز ۱۵ مهر کارکنان شرکت برق منطقه‌ای فارس کارکنان حفاظت محیط زیست کارکنان آموزش و پرورش و در روز ۱۶ مهر برخی از پزشکان و کارکنان اداری بیمارستان‌های صنعتی نمازی خلیلی و حافظ و در روز ۱۷ مهر کارکنان دادگستری بهزیستی پست و تلگراف و تلفن فروشگاهی شهر و روستا دست به اعتصاب و تظاهرات زدند. (حسینان، ۱۳۸۵، ص ۳۶۱-۳۷۱) آیت الله محلاتی روز دوشنبه ۲۴ مهر ۱۳۵۷ را به مناسبت سالگرد درگذشت سید مصطفی خمینی و چهلم شهدای ۱۷ شهریور عزای عمومی اعلام نمودند و از مردم خواستند که در حرم مطهر شاهچراغ^(ع) تجمع نمایند و بنابر گزارش ساواک پلیس تجمع کنندگان را متفرق ساخت اما آنها در خیابان‌های شیراز با سر دادن شعار در حمایت امام خمینی دست به تظاهرات زدند و شیشه بانک‌ها سینما کاپری و مغازه‌های مشروب فروشی تخریب گردید. در نتیجه دخالت ماموران انتظامی ۲۶ نفر از تظاهرات کنندگان دستگیر و بقیه متفرق شدند. (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۹۷)

مقامات ساواک دستور دادند آیت الله بهاء‌الدین محلاتی شیراز را ترک و به مشهد انتقال یابند و آیت الله مجد‌الدین محلاتی هم پس از گرفتن ویزا از عربستان سعودی تصمیم گرفتند به مدینه و از آنجا به لندن و پاریس برای دیدار امام خمینی بروند. در مقارن ظهر ۲۴ مهرماه ۱۳۵۷ عده کثیری از طلاب و مردم در میدان احمدی و حرم شاهچراغ اجتماع کردند و در حمایت از آزادی علمای دستگیر شده توسط ساواک از جمله آیت الله دستغیب شعار سر دادند که در اثر دخالت جمع کثیری از ماموران، تجمع خاتمه یافت، و در نتیجه این اقدامات ساواک در تاریخ ۲۴ مهرماه تصمیم گرفت آیت الله دستغیب از زندان آزاد کند. (وزارت اطلاعات، ۱۳۸۷، ص ۶۲۲-۶۲۶)

واقعه مسجد حبیب شیراز

بنا به درخواست آیت الله سید کرامت الله ملک حسینی امامت جماعت مسجد حبیب در روز عید غدیر خم مصادف با ۲۸ آبان ۱۳۵۷ مردم در این مسجد تجمع نمودند و قرار بود جمع حاضر در مسجد بعد از حضور در آنجا برای عرض تبریک به حرم مطهر شاهچراغ بروند که در اثنای سخنرانی علی اکبر مکارم مشهور به رضوانی که علیه رژیم پهلوی سخن می‌گفت با دخالت افسری به نام سرهنگ قاسمی درگیری به وجود آمد و طولی نکشید که از زمین و هوا با هلیکوپتر اجتماع کنندگان که حدود سه هزار نفر بودند را به گلوله بستند و در آن روز سه نفر شهید شدند و تعداد بسیار زیادی مجروح و دستگیر شدند و سپس اجتماع دیگری در فلکه مصدق برگزار شده بود که ماموران در آنجا حضور یافتند و در درگیری در آنجا ۷ نفر شهید و عده زیادی مجروح شدند. (سعادت، ۱۳۷۷، جلد ۷، ص ۸۵۱) در پی این حادثه آیت الله بهاء‌الدین محلاتی اعلامیه منتشر کردند و اعلام نمودند: «وا اسفا، با اینکه این مجلس مذهبی در کمال آرامش در

مسجدی در شهر شیراز برگزار می‌شد تا آنکه مردم را به گلوله بستند و عده‌ای را شهید و مجروح کردن اینجانب ضمن تأثر شدید از این حادثه‌ها و درگذشت برادران مسلمانم یک هفته عزای عمومی اعلام می‌نمایم و از اهالی محترم شیراز می‌خواهم با نصب پرچم سیاه در مغازه‌ها موسسات و... در این عزای ملی شرکت نمایند» (نصری طیبی، ۱۳۹۳، ص ۵۹۲) سه روز بعد یعنی یکم آذرماه ۱۳۵۷ آیت الله سید کرامت الله ملک حسینی دستگیر گردید و به زندان عادل آباد شیراز منتقل شدند.

تشدید سخنرانی‌ها و تظاهرات مردم در ماه محرم

در روز ۱۷ آذر ۱۳۵۷ شیخ بهاء‌الدین محلاتی که پس از عزیمت به پاریس و دیدار با امام خمینی به شیراز بازگشته بود در مسجد ولیعصر به سخنرانی پرداختند اظهار داشتند که در دیدار با امام خمینی ایشان به ملت ایران و مخصوصاً مردم شیراز پیام دادند که هر چه بیشتر تا سرنگونی رژیم و برقراری حکومت اسلامی به مبارزات ادامه دهند در پایان از عموم مردم دعوت نمودند که در ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۱۹ آذر مصادف با تاسوعای حسینی در حرم مطهر شاهچراغ اجتماع نمایند تا با شعار "ما حکومت اسلامی می‌خواهیم" به راهپیمایی پردازند. مردم شیراز در روز یکشنبه ۱۹ آذر در حرم مطهر شاهچراغ تجمع کردند (دستغیب، ۱۳۹۰، ص ۷۹) و با پیوستن آیت الله بهاء‌الدین محلاتی، آیت الله دستغیب، سید علی اصغر دستغیب، شیخ مجدالدین محلاتی، آیت الله سید هاشم دستغیب، آیت الله مصباح و علمای دیگر از آن مکان تا خیابان زند به راهپیمایی پرداختند و مردم شعارهای "درد بر خمینی بت شکن" "توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد" "نهیضت ما حسینی است رهبر ما خمینی است" سر می‌دادند و بر اساس گزارش صاحب‌منصبان نظامی تعداد جمعیت تظاهرکنندگان حدود ۳۰۰ هزار نفر تخمین زده شد. (نصیری طیبی، ۱۳۹۳، ص ۶۰۱-۶۰۲)

در شب عاشورا حجت الاسلام مجدالدین محلاتی در مسجد ولیعصر ضمن تشکر از مردم خواستند که با حضور گسترده در راهپیمایی روز عاشورا ۲۰ آذر شرکت نمایند و ایشان مکان تجمع را برای علما فاطمیه، آقابان حرم مطهر شاهچراغ و بانوان مسجد نو اعلام نمودند راهپیمایی در روز عاشورا پس از تجمع مردم در اماکن تعیین شده راس ساعت ۹ صبح از صحن حرم مطهر شاهچراغ آغاز شد و سپس مردم با حرکت از میدان تر و بار دروازه سعدی به سمت فلکه شهرداری رفتند، در فلکه شهرداری جایگاه سخنرانی برپا شده بود جمعیت آنقدر زیاد بود که پایان راهپیمایی تا دروازه سعدی بود. (دستغیب، ۱۳۷۸، ص ۶۴-۶۷)، آیت الله ربانی شیرازی پیام امام خمینی را مبنی بر ضرورت کنارگیری شاه و برقراری حکومت اسلامی قرائت کردند و سپس حجت‌الاسلام مجدالدین محلاتی درباره نهضت اسلامی سخنرانی کردند و در ادامه آیت الله دستغیب و مصباحی سخنرانی کردند و در خاتمه قطعنامه ۱۷ ماده‌ای قرائت شد. (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۶۴۳)

به مناسبت چهلمین روز واقعه شهدای مسجد حبیب و بزرگداشت استاد نجات الهی مجلس یادبودی در تاریخ ۸ دی ۱۳۵۷ در مسجد جامع و حرم مطهر شاهچراغ برگزار شد در این اجتماع که حدود بیست هزار نفر از طبقات مختلف مردم حضور داشتند ابتدا سیدعلی اصغر دستغیب در مورد کمبود نفت به سخنرانی پرداخت و اظهار داشت که در مخازن کشور نفت وجود دارد ولی دولت از عرضه آن خودداری می‌نماید و در پایان خواستار خروج شاه از کشور برقراری حکومت اسلامی شد، آیت الله دستغیب درباره مسائل جاری کشور سخنرانی نمودند و خواستار برکناری شاه از سلطنت شدند سپس در خیابانهای احمدی وسی متری سینما سعدی وهنگ و . . به تظاهرات پرداختند و در پایان اعلام شد که فردا یعنی ۹ دی به مناسبت وقایع اخیر در کشور و شیراز عزای عمومی است.

در مسجد حبیب هم در تاریخ ۸ دی ۱۳۵۷ مناسبت چهلم شهدای مسجد حبیب مراسم برگزار شد که سپس از جمعیت حاضر در خیابانهای اطراف تظاهرات نمودند و در جریان زد و خود بین تظاهرکنندگان و مامورین ۱۳ مامور و شش نفر از مردم مجروح شدند. در روز ۹ دی شیراز از ساعت ۹:۳۰ صبح مردم در فلکه شهرداری تجمع نمودند و ضمن سردادن شعار در خیابانهای خیام و زند به تظاهرات پرداختند و با حمله سینما آریانا انجمن ایران و آمریکا اداره فرهنگ و هنر و یک مشروب فروشی را به آتش کشیدند و سپس به ساختمان ساواک حمله کردند و در اثر تیراندازی ماموران محافظ ساواک مهاجمان متفرق شدند.

در روز ۱۷ دی ماه ۱۳۵۷ شیراز شاهد تظاهرات مردم بود، بنا به گزارش مطبوعات بیش از ۱۲۰ هزار نفر در تظاهرات شرکت کردند آنها پس از اجتماع در مسجد جامع و صحن حرم مطهر شاهچراغ در خیابانهای اطراف شهر تظاهرات و شعار دادند و سپس از حرم مطهر بیرون آمده و پس از پیمودن خیابانهای احمدی، لطفعلی خان زند، داریوش، کریم خان زند ضمن اجتماع در مقابل بیمارستان شیراز به سردادن شعار علیه رژیم پرداختند و همچنین در روز ۱۸ دی ماه ۱۳۵۷ هیأتی مرکب از مهندس بازرگان، حجت الاسلام رفسنجانی، مهندس کثیرائی، مهندس حبیبی و مهندس صباغیان به نمایندگی از سوی امام خمینی با هلیکوپتر به شیراز آمدند و مورد استقبال حدود ۲۰۰ هزار نفر از مردم شیراز قرار گرفتن هیئت فوق به منزل آیت الله دستغیب رفتند و با همراهی گروهی از روحانیون راهی پالایشگاه نفت شیراز شدند، مهندس بازرگان با برشمردن شرایط آن زمان و با تاکید و درخواست امام خمینی برای تامین مصرف داخلی نفت خام، پالایشگاه شیراز کار خود را آغاز نماید. پس از بازگشت هیئت اعزامی از پالایشگاه به شیراز حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در اجتماع ۳۰ هزار نفری مردم شیراز در حرم مطهر شاهچراغ و مسجد جامع به سخنرانی پرداختند و ضمن سخنانی در مورد دولت بختیار ویژگی حکومت اسلامی خواستار گسترش اعتصابها از سوی مردم شدند. سفر هیئت اعزامی مزبور، روابط بین مقامات محلی استان فارس را به چالش انداخت، بنا به گزارش ساواک بر اثر پاره‌ای مسائل شهری و اتخاذ تصمیمات لازم جهت کنترل تظاهرات و محافظت از اماکن دولت، اختلاف شدیدی بین سرلشکر

اسفندیاری فرمانداری نظامی شیراز و سرتیپ شفاعت فرمانده شورای تامین شهر بروز کرد، زیرا سر لشکر اسفندیاری قصد داشت به منظور به دست آوردن محبوبیت در میان مردم برخورد با مخالفان با خشونت کمتر رفتار شود ولی سرتیپ شفاعت با مطرح کردن اجرای انجام وظیفه خواستار برخورد قاطع تر با اعتراضات بود، با توجه به حضور هیئت اعزامی فوق، مجدداً اجتماع عظیم دیگری که حدود ۶۰ هزار نفر در آن شرکت داشتند در بعد از ظهر ۱۸ دی ۱۳۵۷ در مسجد جامع، صحن حرم مطهر شاهچراغ، میدان شاهچراغ و خیابان‌های اطراف شکل گرفت و مهندس بارزگان به عنوان سخنران آن اجتماع در زمینه اتحاد و همبستگی مردم جهت پیشبرد اهداف ملت سخنرانی نمودند و با نكوهش روش دولت‌های گذشته و دولت بختیار و یا اشاره به اتحاد روحانیت برای مبارزه با رژیم تاکید کردند که ملت ایران تا پیروزی بر حکومت پهلوی به مبارزات خود ادامه خواهند داد، سپس آیت الله سیدعبدالحسین دستغیب آخرین اعلامیه امام خمینی راقرائت کردند، یکی از نکات جالب توجه تظاهرات شیراز حضور اقلیت‌های مذهبی از جمله زرتشتیان مسیحیان و یهودیان و اعلام همبستگی آنها با هموطنان مسلمان بود که حدود هزار نفر از آنها در اجتماع شرکت کردند. (نصیری طیبی، ۱۳۹۳، ۶۲۰-۶۲۴)

در روز ۲۰ دی ماه ۱۳۵۷ اجتماع دیگری با حضور ۴۰ هزار نفر از مردم مختلف شیراز از جمله فرهنگیان، دانش آموزان، دانشجویان به دعوت از جامعه فرهنگیان در دبیرستان شاهپور (ابوذر فعلی) و خیابان‌های اطراف آن شکل گرفت، در این اجتماع ابتدا رضا ابوالحراری یکی از فرهنگیان درباره حکومت اسلامی و غیرقانونی بودن حکومت بختیار صحبت کرد و سپس صمد فراروئی یکی از مبارزانی که به تازگی از زندان آزاد شده بود، سخنرانی نمود و پیشنهاد کرد که در دبیرستان‌ها کلاس‌هایی غیر از کلاس درسی تشکیل شود و مسائل سیاسی کشور را برای دانش آموزان توجیه کنند و آنان را برای مبارزه احتمالی آینده آموزش دهند. سپس شیخ علی موحد درمورد سجایای حکومت اسلامی و غیرقانونی بودن دولت بختیار سخنرانی نمودند، همچنین فرهنگیان شیراز اعلام کردند که وزیر جدید آموزش و پرورش را به رسمیت نمی‌شناسند و در پایان به دلیل بارش شدید باران، تظاهرات آرامی در خیابان‌های اطراف صورت گرفت و بدون درگیری به پایان رسید. (وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۶۴۹)

تخریب ساختمان ساواک شیراز

در روز ۲۱ دی ماه ۱۳۵۷ تظاهرات مردم شیراز که از ساعت ۹ صبح آغاز شد منجر به درگیری با نظامیان شد تظاهرات کنندگان حاضر ۲۰۰ هزار نفر می‌رسید مجسمه شاه در میدان ارم و سایر میادین به زیر کشیده شد سپس تظاهرات کنندگان به طرف ساختمان ساواک حرکت کردند و با مقاومت ماموران شهربانی بین طرفین درگیری به وجود آمد باعث شهادت سه تن و مجروح شدن ۱۵ نفر از مردم شد اما مردم عقب‌نشینی نکردند و با پرتاب کوکتل مولوتوف ۱۶ خودرو ساواک و سپس ساختمان ساواک را به

آتش کشیدند اغلب کارکنان ساواک فرار کردند ولی سرهنگ زروان معاون سازمان اطلاعات و امنیت استان فارس و دو نفر از کارکنان دست مردم افتادند که سرهنگ زروان و یکی از ماموران توسط مردم خشمگین کشته و تعداد زیادی اسلحه و اسناد و مدارک دست مردم افتاد. مردم آنها را به آیت الله دستغیب و حجت‌الاسلام محلاتی تحویل دادند و به این ترتیب ساواک شیراز دومین ساواک کشور بعد از ساواک فیروزآباد به دست مردم تسخیرگردید و بنابه گزارش ارتش حدود ۱۸ نفر از ماموران در این حادثه مجروح شدند. در روز ۲۳ دی ۱۳۵۷ گروه‌های مختلفی از جمله قضاات دادگستری، کارمندان شهرداری و کارکنان سازمان آب مبادرت به یک راهپیمایی آرام نمود، سپس در اجتماع تظاهرات کنندگان سید مجدالدین مصباحی به سخنرانی پرداختند و ساعاتی بعد در اجتماع عظیم دیگری که در صحن حرم شاهچراغ^(ع) برگزارگردید، ایشان حضور یافتند و آخرین پیام امام خمینی^(ره) مبنی بر عدم رویارویی مردم با ارتشی‌ها را قرائت کردند. (علیان نژاد، ۱۳۸۹، ص ۶۷-۶۸) و نیز (نصیری طیبی، ۱۳۹۳، ص ۶۳۱)

بر اساس بیانیه‌هایی که در روز ۲۸ دی ۱۳۵۷ انتشار یافته بود مردم در روز ۲۹ دی ۱۳۵۷ مصادف باربعین حسینی از هفت نقطه شهر تجمع نمودند، مطبوعات این تجمع را بزرگترین راهپیمایی تاریخ در این دیار لقب دادند و سپس همه مردم در خیابان زند تجمع اصلی را شکل دادند، در این راهپیمایی آیت الله بهاء الدین، آیت الله سید عبدالحسین دستغیب، حجت‌الاسلام سیدمجدالدین محلاتی، آیت الله سید علی اصغر دستغیب، سید هاشم دستغیب، آیت الله ربانی و دیگر روحانیون در پیشاپیش صف مردم در حرکت بودند و در هنگام ظهر نماز جماعت در خیابان زند به امامت آیت الله بهاء الدین محلاتی برگزار گردید سپس بین حاضرین غذا توزیع شد و در ساعت ۱۶ با قرائت قطعنامه پایانی مراسم به پایان رسید و همچنین در بامداد ۳۰ دی نیز حرکت اعتراضی مردم شیراز ادامه داشت و از ابتدای صبح گروهی از طوایف مختلف ایل قشقایی با اجتماع در حرم مطهر شاهچراغ به سردادن شعار پرداختند و میثاق و همبستگی خود را با جامعه متحد ایران اعلام نمودند، آیت الله محلاتی در این اجتماع سخنرانی نمودند و در پایان قطعنامه‌ای از طرف ایل قشقایی قرائت گردید و سپس در خیابان‌های اطراف مبادرت به راهپیمایی نمودند. (نصیری طیبی، ۱۳۹۳، ص ۶۳۵-۶۳۶) و نیز (روزنامه پارس شیراز، ۱۳۵۷/۱۱/۲) در روز ۷ بهمن ۱۳۵۷ به مناسبت رحلت پیامبر^(ص) و شهادت امام حسن مجتبی^(ع) به دعوت از علما و روحانیون شیراز راهپیمایی بزرگی در شیراز برپا شد که در این اجتماع روحانیون، فرهنگیان، بازاریان، دانشگاہیان، اصناف کشاورزان، عشایر و کارکنان ادارات شرکت داشتند و این تظاهرات در خیابانهای شهر به طرف قبرستان دارالرحمه شیراز ادامه یافت و در آنجا حجت‌الاسلام محلاتی و شیخ علی موحد سخنرانی نمودند و اقشار مختلف را به همبستگی با انقلاب فراخواندند و خواستار باز شدن فرودگاه مهرآباد برای بازگشت امام خمینی^(ره) شدند و در پایان قبور شهدا را گلباران نمودند. (روزنامه پارس (شیراز) ۱۳۵۷/۱۱/۱۰)

ورود امام خمینی به ایران و اقدامات انقلابیون شیراز

در شیراز از سوی کمیته هماهنگی تظاهرات عده‌ای از اعضا و مردم برای استقبال از امام خمینی به تهران اعزام شدند و در شیراز مردم را در تاریخ ۱۲/ ۱۱/ ۵۷ به تجمع در حرم مطهر شاهچراغ فراخواندند. قرائت اعلامیه امام خمینی، سخنرانی علما و سپس پخش سخنرانی امام خمینی در بهشت زهرا از جمله برنامه‌های این گردهمایی بود و مردم در سرور و شادمانی به سر می‌برند و با دادن شعار ابراز شادمانی می‌کردند و ادارات و سازمانها با لامپ‌های تزئینی مبادرت به چراغانی و آذین بندی می‌نمودند. و نیز (روزنامه پارس شیراز، ۱۶/۱۱/۱۳۵۷) امام خمینی^(۵) پس از ورود به تهران در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ مهندس مهدی بازرگان را به نخست وزیر دولت موقت منصوب کردند. (نجاتی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۵۹) مردم شیراز در روز سه شنبه، ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ از ساعت اولیه بامداد که بیش از ۱۰ هزار نفر از مسجد شهدا (نو)، حرم شاهچراغ و خیابان‌های اطراف اجتماع کرده و آمادگی خود را به منظور شرکت در جهاد مقدس مذهبی اعلام نمودند. در این اجتماع شیخ علی موحد پشتیبانی روحانیون و مردم فارس را از نخست وزیر بازرگان اعلام کردند، سپس فرمان امام خمینی مبنی بر نخست وزیر بازرگان و اعلامیه آیت الله بهاء‌الدین محلاتی در مورد دعوت از مردم شیراز در راهپیمایی روز چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۵۷ در حرم شاهچراغ برای اعلام پشتیبانی از دولت بازرگان قرائت گردید، اجتماع کنندگان سپس در خیابانهای لطفعلی خان زند، نمازی راهپیمایی کردند، لذا با توجه به دعوت قبلی توسط آیت الله بهاء‌الدین محلاتی مردم در روز چهارشنبه ۱۸ بهمن با اجتماع عظیم و گسترده حدود ۲۰۰ هزار نفری در حرم مطهر شاهچراغ و خیابان‌های اطراف ضمن سر دادن شعار، حمایت خود را از دولت بازرگان اعلام نمودند. و از سوی کمیته هماهنگی تظاهرات از مردم شیراز دعوت شد تا در روز ۲۲ بهمن در صحن شاهچراغ^(۴) گرد هم آیند و تجمع و تظاهرات عظیمی را ایجاد نمایند و یکی از وقایع مهم آن روز در شیراز حضور تعدادی از پرسنل ارتش با لباس‌های نظامی در میان اجتماع مردم و در مسجد جامع و اعلام همبستگی آنان با انقلاب بود. (نصیری طیبی، ۱۳۹۳، ص ۶۴۱، ۶۴۲)

از صبح روز ۲۲ بهمن بلندگوئی در سطح شهر مردم را به اجتماع در حرم مطهر شاهچراغ فرا می‌خواند و جمعیت انبوهی در حرم شاهچراغ خیابان‌های اطراف اجتماع کردند در این اجتماع رجعلی طاهری به سخنرانی پرداخت سپس راهپیمایی از حرم مطهر شاهچراغ به سمت مسجد نو انجام شد که از طریق بلندگوها به جمعیت تظاهرات کننده اعلام کردند که جهت خلع سلاح به سمت کلاتری‌ها حرکت نمایند. (دستیغ، ۱۳۶۳، ص ۵۰) مردم با سرعت به سمت کلاتری ۳ که حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ متر با حرم مطهر فاصله داشت حرکت کردند آقای طاهری نقل می‌کند که وقتی رسیدیم کلاتری تسخیر شده بود. با به هر ترتیب با تصرف کلاتری ۳ و افتادن سلاح‌های آن به دست مردم، تظاهرات کنندگان به سمت

کلانتری‌های ۴، ۲، ۵ و ۷ یورش بردند که تقریباً بدون درگیری همه کلانتری‌ها تصرف مزبور با اطلاع از سقوط کلانتری ۳ قبل از رسیدن مردم ساختمان‌ها را ترک کرده و سلاح‌ها را به مرکز پیاده منتقل کرده بودند و بدین ترتیب درگیری‌ها به مرکز شهربانی در فلکه شهرداری و کلانتری ۱ کشیده شد، مأموران بر برج‌های ارگ بر روی پشت بام ساختمان سنگربندی کرده بودند و با یورش مردم مبادرت به تیراندازی کردند در اثر تیراندازی پی در پی آن‌ها عده‌ای به شهادت رسیده و برخی هم مجروح شدند که با آمبولانس به بیمارستان‌ها منتقل می‌شدند. ایل قشقایی با سلاح‌های برنو که داشتند و از فیروز آباد به شیراز آمده بودند به سمت مأموران تیراندازی می‌کردند، یکی از پرسنل ارتش با یک دستگاه تانک از مرکز زرهی به کمک مهاجمان آمده و با پیوستن حدود ۱۵۰ نفر از افراد مسلح نیروی هوایی و همافران به مردم حمله به شهربانی شدت یافت پس از مدت پنج ساعت درگیری در راس ساعت ۱۶ شهربانی فارس به تصرف مردم درآمد و انبار سلاح به دست مردم افتاد و عده زیادی مسلح شدند و بر اساس گزارش مطبوعات در جریان درگیری مرکز شهربانی فارس تعدادی از مأموران کشته و مجروح شدند و از مردم نیز ۴۲ نفر شهید و ۴۲۱ نفر مجروح شدند که با شهادت عده دیگری در بیمارستان‌ها تعداد شهدا به بیش از ۵۰ نفر رسید. پس از سقوط شهربانی یگان‌های ارتش و ژاندارمری یکی پس از دیگری بدون درگیری تسلیم شده و همبستگی خود را با انقلاب اعلام کردند. (دستغیب، ۱۳۶۳، ص ۵۱)

عصر ۲۲ بهمن پرسنل مرکز زرهی با تانک‌های خود در خیابان به مردم پیوستند و در حالی که تصاویر امام خمینی را روی تانک‌ها نصب کرده بودند در خیابان‌های شهر به حرکت درآمدند و بدین ترتیب در حوالی غروب آفتاب در فارس رسماً پیروزی انقلاب اعلام گردید و همان شب تلویزیون فارس در اختیار انقلابیون قرار گرفت پس از تهران از تلویزیون فارس خبر پیروزی انقلاب اعلام شد و بدین ترتیب پس از تهران شیراز دومین شهری بود که به دست نیروهای انقلابی افتاد شهرهای دیگر استان فارس در پایان روز ۲۲ بهمن با تسلیم نیروهای نظامی و در بعضی از شهرها با درگیری‌ها و زد و خوردها به تصرف مردم درآمد. پس از سقوط یا تسلیم مراکز نظامی و انتظامی شیراز، کمیته هماهنگی تظاهرات که نام خود را به کمیته هماهنگی شیراز تغییر نام دادند، در نخستین اقدام در روز ۲۳ بهمن تشییع پیکر شهدای ۲۲ بهمن را انجام دادند در حالی که تعداد شهدای مزبور به ۵۲ تن رسیده بود با حضور بیش از ۴۰۰ هزار نفر از مردم شیراز تشییع انجام شد و با توجه به فعالیت کمیته هماهنگی شیراز تا حدودی اوضاع شهر کنترل درآمده و عده زیادی با حضور در منازل علما سلاح‌های خود را تحویل می‌دادند به طوری‌که منازل آنان از اسلحه مملو شده بود. (دستغیب، ۱۳۶۳، ص ۵۱-۵۲)

پس از فروکش کردن هیجان‌های عمومی ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی آیین بازگشایی سازمان‌ها و ادارات دولتی در روز شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۵۷ با حضور عده‌ای از روحانیون شیراز برگزار گردید و بازاریان و کسبه در شهر با گشودن حجره‌ها و مغازه‌های خود فعالیت خود را شروع کردند روز اول اسفند روز

بازگشایی مدارس و آموزشگاه‌ها اعلام شد و توسط علما از آقای سید جعفر ابطحی که یک هفته قبل استعفای خود را تقدیم علما کرده بود خواسته شد که کماکان اداره امور شهر و اداره شهرداری را به دست بگیرند و مأموران راهنمایی و رانندگی زیر نظر کمیته هماهنگی شیراز کار خود را آغاز نمایند. از سوی کمیته هماهنگی سرهنگ انتظار مهدی به سمت ریاست موقت شهربانی فارس، سرهنگ دستغیب به سمت فرماندهی موقت ژاندارمری فارس و سرهنگ نصرت الله ناصری به سمت سرپرست موقت تیپ ۵۵ هواپرد منصوب گردیدند تا رسیدن دستور ثانوی از مرکز هدایت امور انتظامات و نظامی استان را در اختیار گیرد در حالی که کمیته هماهنگی شیراز که در آن روزها به نام کمیته انتظامات تغییر نام داده بود و ریاست آن به عهده سیدعلی اصغر دستغیب بود اداره شهر و انتصاب‌ها را بر عهده داشت و سرانجام در اسفند ۵۷ با تعیین نصرت الله امینی به سمت نخستین استاندار فارس پس از پیروزی انقلاب اسلامی کمیته انتظامات منحل و وظایف آن به سازمانها و نهادها واگذار گردید که این اقدام به دستور امام خمینی بود تا سازمان‌ها بتوانند زیر نظر استانداری‌ها اقدامات خود را انجام دهند و امینی در نخستین اقدام به منظور اداره و راه اندازی سازمان‌ها و ادارات دولتی مبادرت به انتخاب افراد خوشنام و شایسته به ریاست سازمان‌های مزبور نمود و یکی دیگر از اقدامات صورت گرفته دستگیری مقامات امنیتی و نظامی رژیم شاه بود که در کشتار انقلابیون دست داشتند و خود را مخفی کرده بودند که پس از دستگیری آنها به دلیل اینکه در شیراز دادگاه انقلاب هنوز راه اندازی نشده بود آنها را به تهران منتقل کردند تا محاکمه شود. (نصیری طیبی، ۱۳۹۳، ص ۶۵۳-۶۵۵)

پس از اعلام برگزاری همه‌پرسی "رفراندوم" جمهوری اسلامی در فروردین سال ۱۳۵۸ و مخالفت برخی از گروه‌ها و دستجات سیاسی با آن در شیراز مردم این شهر همانند مردم سایر مناطق کشور به استقبال از این تصمیم پرداختند درهمنین راستا روزسه شنبه ۲۶ اسفند ۱۳۵۷ هزاران نفر از مردم شیراز به همراه کثیری از افسران و درجه‌داران واحدهای نظامی در پشتیبانی از جمهوری اسلامی در میدان استانداری اجتماع کردند و در این مراسم آیت الله ربانی شیرازی نماینده امام خمینی در استان فارس نصرت الله امینی استاندار و... درباره همبستگی و اتحاد طبقات مختلف سخنانی ایراد نمودند. به منظور برگزاری همه پرسی برنامه ریزی‌هایی از سوی استانداری طراحی و به اجرا در آمد و اعضای نظارت و مجریان مشخص گردیدند و سید احمد پیشوا به عنوان رئیس انجمن نظارت و جلال الدین آیت الله زاده به سمت نائب رئیس برگزیده شدند. در حوزه فرمانداری شیراز ۲۹۴ شعبه اخذ رای مشخص شد و علاوه بر شعبه‌های ثابت در شهرستانها و روستاها بنا به دستور امینی استاندار فارس رای گیری بوسیله هلیکوپتر تدبیر گردید و قبل از برگزاری همه پرسی نیز بیانیه‌ای از سوی آیت‌الله دستغیب و آیت الله بهاء‌الدین محلاتی مبنی بر دعوت از مردم برای شرکت در انتخابات و تشویق مردم در رأی دادن به جمهوری اسلامی صادرگردید. در روز برگزاری همه پرسی نیز مردم با حضور در شعبه‌های اخذ رای، رای خود را

برای جمهوری اسلامی به صندوق انداختند بدین ترتیب پس از برگزاری همه پرسی در روزهای جمعه و شنبه دهم و یازدهم فروردین ۱۳۵۸ و شمارش آراء ستاد مرکزی نظارت بر همه پرسی در فارس اعلام کرد به دنبال اخذ رای و شمارش آراء در این استان از ۱۲۳۰۱۰۲ رای اخذ شده، ۱۲۲۴۸۲۱ رای مثبت به جمهوری اسلامی دادند.

نقش آستان مقدس احمد ابن موسی^(ع) شاهچراغ در حرکت‌های اعتراضی منتهی به انقلاب اسلامی از نگاه افراد مصاحبه شده

مردم برای زیارت به حرم شاهچراغ می‌رفتند و اگر فضا مهیا بود طبق اعلام قبلی در همانجا تجمع می‌کردند و اگر فضا امنیتی بود و جلوگیری از تجمع می‌شد در میدان احمدی رو به روی حرم شاهچراغ و یا مسجد نو و یا مسجد جامع عتیق و... تجمعات شکل می‌گرفت اما به طور کلی حرم شاهچراغ در شکل‌گیری تجمعات در سالهای قبل از انقلاب در تظاهرات‌ها و راهپیمایی‌ها نقش بسزایی داشت و مردم ارادت خاصی به حضرت داشتند و نمونه‌های آن هم زیاد بود. (مصاحبه با غلامعلی عزمی، ۹۷/۰۶/۲۵)

حرم شاهچراغ برای مردم شیراز همانند یک کعبه است تا راه را گم نکنند و به ما نشان می‌دهند که الگوی پیروی از امامت و ولایت احمدبن موسی^(ع) است که برای حمایت برادرش حرکت کرد، شاه چراغ یک فلش است برای ما، شاه چراغ یک نور است که مانند یک پروژکتور شهر شیراز را روشن کرده است تا کسی راه را اشتباه نرود، لذا ایشان حرمت دارد راهی را که نشان می‌دهند راه خداست. حرکت احمدبن موسی^(ع) یک حرکت سیاسی بود برای دفاع از امامت و ولایت در زمان خودش، سیاست و دیانت حضرت یکی بوده است و برای ما باید درس عبرتی باشد. (مصاحبه با محمد علی ادریسی، ۹۷/۰۷/۰۷)

حرکت‌ها معمولاً از شاه چراغ آغاز می‌شد و مردم به سمت سه راه احمدی و دروازه سعدی و خیابان تیموری و میدان شهرداری و فلکه ستاد حرکت می‌نمودند در جلوی همه مردم شهید آیت الله دستغیب، سید هاشم دستغیب، آیت الله بهاءالدین محلاتی و مجدالدین روحانی بودند که با حضور مردم راهپیمایی می‌کردند البته در مساجد جامع عتیق با حضور شهید دستغیب و مسجد نو با حضور آیت الله پیشوا و مسجد مولا با حضور آیت الله محلاتی و مسجد ولیعصر با حضور آیت اللهی و... هم تجمع شکل می‌گرفت ولی معمولاً بعد از تجمعات در مساجد مردم به سمت شاهچراغ و میدان احمدی می‌آمدند. (مصاحبه با سید منصور شهریار، ۹۷/۰۸/۲۱)

اکثر راهپیمایی‌ها از شاهچراغ شروع می‌شد و یا از مساجد شروع می‌شد و معمولاً تا حرم منتهی می‌شد معمولاً از مسجد مولا، مسجد جامع، مسجد حبیب و یا مسجد نو شروع می‌شد تا در جلوی حرم شاهچراغ یعنی میدان احمدی تجمع نهایی شکل می‌گرفت. میدان جلوی حرم و خیابانهای اطراف مالا مال از جمعیت می‌شد اما باید گفت که حرم مطهر شاهچراغ نقش موثری در تجمع مردم داشتند و حرم مطهر

یک محور اصلی قلمداد می‌شد. (مصاحبه با محمد زادانی فرد، ۹۷/۰۸/۲۷)

آنچه که به پیروزی انقلاب اسلامی در شیراز کمک کرد شاهچراغ بود چون افرادی که با هم جهت تجمع قرار می‌گذاشتند اغلب در شاهچراغ و یا مسجد نو بودند، اما باید گفت هسته مرکزی تمام تظاهراتها حرم مطهر شاهچراغ بود اگر بعضی اوقات هم تظاهراتها از جاهای دیگر شروع می‌شد به حرم شاهچراغ ختم می‌شد چون برای مردم احمدبن موسی (ع) هسته مرکزی بود و به همه انرژی می‌داد اما به آقا متوسل می‌شدیم آقا برای ما پناه بودند. (مصاحبه با محمدعلی میرهادی فرد، ۹۷/۰۸/۲۸)

چون معمولاً از تجمع در داخل حرم جلوگیری می‌کردند مردم به عنوان زیارت داخل حرم شاهچراغ می‌رفتند و زیارت و دعا می‌خواندند و منتظر می‌شدند تا شلوغ شود و به بیرون حرم یعنی میدان مقابل حرم می‌آمدند و تجمع از حرم شاهچراغ شروع می‌شد و میدان احمدی و شاه چراغ مرکز انقلاب در شیراز بود. (مصاحبه با اسماعیل حقیقی، ۹۷/۰۸/۲۹) بیشترین نقش در تجمعات مردم حرم شاهچراغ داشت و مهم‌ترین تجمعات در شاهچراغ و میدان حرم بود. (مصاحبه با محمدرضا جلالی، ۹۷/۰۸/۳۰)

سال ۱۳۴۲ و سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ حرم مطهر احمدابن موسی (ع) به عنوان یک کانون تجمع محسوب می‌شد. (مصاحبه با کریم دوکوهکی، ۹۷/۰۹/۱۳) حرم احمد بن موسی (ع) در تجمع مردم در آن زمان مرکزیت بودند البته برای ما محوریت هم بودند به نظر من در آن زمان مردم چون می‌خواستند یک حرکت دینی انجام دهند از آقا احمدابن موسی (ع) الهام می‌گرفتند. (مصاحبه با قاسم جهاننده، ۹۷/۰۹/۱۴) از دیرباز حرم شاهچراغ به عنوان ملجأ و پناهگاهی برای مردم شیراز بوده است و باید اشاره کرد که بیشتر تجمعات یا ابتدا یا انتهای برنامه در جلو حرم شاهچراغ منتهی می‌شد. (مصاحبه با محمد نعمتی، ۹۷/۰۹/۱۹)

نتیجه گیری

در فرهنگ سیاسی، انقلاب به حرکت‌های اعتراضی که منجر به سرنگونی یک حکومت و تشکیل یک حکومت جدید می‌شود اطلاق میگردد، انقلاب اسلامی ایران یک دستاورد بزرگ در راستای آرمان‌خواهی ملت مسلمان ایران بود که از مهمترین پدیده‌های سیاسی-اجتماعی قرن بیستم به شمار رفته و نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان اسلام درخصوص ایران اسلامی قلمداد می‌شود. بنا به دیدگاه نظریه پردازان عوامل مختلفی در سرنگونی رژیم شاهنشاهی تاثیر داشت. یکی از این عوامل عنصر مذهب و نقش اماکن مذهبی بود که مردم ایران تحت تاثیر این عناصر و رهبری حکیمانه امام خمینی^{۵۶} توانستند نظام سلطنتی شاهنشاهی را که بزرگترین ابرقدرت‌های جهان از آن پشتیبانی می‌کردند از بین ببرند.

کشور ایران از دیرباز دارای پایگاه‌های مردمی، مذهبی، عرفانی و اسلامی همچون بقاع متبرکه امامزادگان، مساجد و علما و شخصیت‌های دینی و مذهبی موثر و تاثیر گذار و ذی نفوذ بوده است. این

مراکز دینی که همواره کانون جذب اندیشه‌ها و جنبش‌های مردمی بوده است در جهت مبارزه و قیام علیه ستم‌های زمانه با همان انگیزش‌های دینی و الهی، با الگوگیری از قیام‌ها و مبارزات سیاسی علما و امامزادگان، انعکاس یافته است. در همین راستا نقش موثر مساجد و اماکن مذهبی در آگاهی بخشی، ترویج اندیشه‌های انقلابی، و تجمعات اعتراضی در این مدت بر کسی پوشیده نبود.

مردم سراسر کشور ایران از جمله شهر شیراز در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ مخالفت خود را با رژیم شاهنشاهی به طرق مختلف اعلام می‌کردند. در همین راستا نقش موثر مساجد و اماکن مذهبی در آگاهی بخشی، ترویج اندیشه‌های انقلابی، و تجمعات اعتراضی در این مدت بر کسی پوشیده نبود. حرم مطهر حضرت احمدین موسی‌الکاظم شاهچراغ^(ع) به عنوان یک عنصر مهم مذهبی و هویت‌بخش در فرهنگ ایرانی-اسلامی، نه تنها در شهر شیراز بلکه در کشور ایران و سایر کشورهای اسلامی شناخته شده است. تاثیر این مکان مقدس در رویدادهای مختلف خصوصاً رویدادهای تاریخی-سیاسی قابل انکار نیست.

این حرم مطهر، در آگاهی بخشی، تجمع و تهییج حرکات اعتراضی منجر به سقوط رژیم شاهنشاهی، و به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی نقش موثری داشته است. حرم مطهر حضرت شاهچراغ^(ع) نقش محوری در تهییج و هماهنگ کردن اعتراضات و آگاهی بخشی به مردم شیراز و حتی زائران شهرستانی داشته است. مردم شهر شیراز حرم مطهر احمد ابن موسی^(ع) را پناهگاهی امن و پایگاهی مردمی مذهبی در جهت تحركات سیاسی با محوریت علما برای خود می‌دانستند و این حرم کانون تجمعات و اعتراضات انقلابی مردم مومن و خدا جوی شهر شیراز در اذهان به یادگار مانده است. در بسیاری از راهپیمایی‌ها و تظاهرات‌های اعتراضاتی به رژیم شاه یا از قبل مکان تجمع حرم مطهر احمد ابن موسی^(ع) مشخص می‌شده است و مردم به اشکال مختلف حتی به بهانه زیارت در آنجا تجمع می‌کرده‌اند و یا در مساجد و مکان‌های دیگر تجمع اولیه شکل می‌گرفته و با حرکت به سمت حرم مطهر شاهچراغ^(ع) تجمع اصلی در این نقطه برگزار می‌شده است.

پیشنهاد کاربردی

از دیرباز مکان‌های مهم و تاریخی هر شهر یکی از اصلی‌ترین عناصر هویت بخش بوده‌اند. در شهر شیراز حرم مطهر شاهچراغ به عنوان مکانی مذهبی و تاریخی در نزد تمامی مسلمانان جهان بویژه ساکنین شیراز و استان فارس اهمیت ویژه‌ای دارد. اما کمتر کسی به بعد سیاسی و تاثیرات سیاسی اجتماعی این مکان توجه کرده است. با توجه به سایر ابعاد مهم مکان‌های مهم می‌توانیم اثر هویت بخشی این مکانها را پررنگ تر کنیم و طیف مخاطبین این مکانها را گسترده تر کنیم.

منابع و مآخذ

۱. امام خمینی (ره) (۱۳۶۱)، صحیفه نور، تهران، جلد یک، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. پهلوی، محمد رضا (۱۳۷۱)، پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوترابیان، نشر مترجم.
۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۴)، انقلاب اسلامی ایران، قم، چاپ سی وهفتم، نشر معارف.
۴. حسینیان، روح الله (۱۳۸۵)، یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه (بهمن ۵۶ - بهمن ۵۷)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. خرمشاد، محمد باقر (۱۳۷۷)، فوکو و انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی متین، شماره ۱، از صفحه ۲۰۹ - ۲۲۴.
۶. دستغیب، سید علی اصغر (۱۳۷۸)، خاطرات آیت الله سید علی اصغر دستغیب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷. دستغیب، سید محمد هاشم (۱۳۶۳)، یادواره شهید آیت الله عبدالحسین دستغیب، شیراز، انتشارات کانون تربیت.
۸. دوانی، علی (۱۳۸۳)، زندگی و خاطرات علی دوانی، تهران، چاپ دوم، جلد چهارم، انتشارات رهنمون.
۹. دفتر ادبیات انقلاب اسلامی با همکاری مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۷۱)، ساواک و روحانیت، تهران، جلد ۱، حوزه هنری.
۱۰. ذو علم، علی (۱۳۷۷)، جرعه جاری، تهران، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. روحانی، سید حمید (۱۳۸۹)، نهضت امام خمینی (ره)، جلد ۱، انتشارات عروج.
۱۲. زیبا کلام، صادق (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، تهران، چاپ ششم، انتشارات روزنه.
۱۳. سولیوان، ویلیام؛ پارسونز، آنتونی (۱۳۷۲)، خاطرات دو سفیر، ترجمه محمود طلوعی، انتشارات علم.
۱۴. سبزه‌ای، محمد تقی (۱۳۹۵)، نقد آسیب شناسانه تئوری‌های انقلاب، پرسمان، از صفحه ۱۴ - ۲۱.
۱۵. سعادت، پرویز (۱۳۷۷)، روز شمار انقلاب اسلامی، جلد دو، تهران، انتشارات سوره مهر.
۱۶. شورای نویسندگان اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۷۹)، قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، تهران، چاپ اول، جلد دوم.
۱۷. شیرین، فاطمه (۱۳۴۸)، بازچه شهربانو (جشن هنر شیراز)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی .
۱۸. شو کراس، ویلیام (۱۳۶۹)، آخرین سفر شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، انتشارات البرز.
۱۹. صمیمی، مینو (۱۳۶۸)، پشت پرده تخت طاووس، ترجمه حسین ابوترابیان، نشر اطلاعات.
۲۰. طاهری، رجبعلی (۱۳۷۶)، خاطرات رجبعلی طاهری، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی.
۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۱)، انقلاب اسلامی ایران و ریشه‌های آن، تهران، نشر کتاب سیاسی.
۲۲. عنایت، حمید (اسفند ۱۳۷۱)، انقلاب اسلامی در ایران سال ۱۹۷۹، ترجمه مینا منتظر لطف، فرهنگ توسعه، شماره ۴، کد خبر ۲۸۷۶۶۳

۲۳. - عرفان منش، جلیل (۱۳۷۵)، خاطرات ۱۵ خرداد شیراز، تهران، دفتر اول و دوم، حوزه هنری، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی.
۲۴. - مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، آینده انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.
۲۵. - محمدی، منوچهر (۱۳۸۰)، انقلاب اسلامی وزمینها و پیامدها، تهران، چاپ اول، انتشارات اهل‌البيت^(ع).
۲۶. - مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۸۳)، خاطرات حجه الاسلام والمسیلمین سید منیر الدین حسینی شیرازی، چاپ اول.
۲۷. - مرکز اسناد تاریخی (۱۳۸۱)، جشن هنر شیراز به روایت ساواک، انتشارات مرکز اسناد تاریخی.
۲۸. - مرکز بررسی اسناد وزارت اطلاعات (۱۳۷۸)، بزم اهریمن، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی به روایت اسناد ساواک و دربار، چاپ اول.
۲۹. - ماکوئی، سویل (۱۳۷۹)، صورتک: گذری بر جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۰. - نجاتی، غلامرضا (۱۳۸۷)، تاریخ بیست و پنج ساله انقلاب، چاپ هشتم، انتشارات رسا.
۳۱. - نصیری طیبی، منصور (۱۳۹۳)، انقلاب اسلامی در شیراز، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۳۲. - وزارت اطلاعات (۱۳۸۷)، یاران امام خمینی به روایت ساواک، چاپ اول، کتاب دهم، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
۳۳. - هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۲)، انقلاب ایران به روایت بی بی سی، تهران، انتشارات طرح نو.

مصاحبه‌ها

۳۴. اسماعیل حقیقی، ۹۷/۰۸/۲۹. مصاحبه انتشار نیافته توسط محمد پورمنتصری.
۳۵. سید منصور شهریار، ۹۷/۰۸/۲۱. مصاحبه انتشار نیافته توسط محمد پورمنتصری.
۳۶. غلامعلی عزمی، ۹۷/۰۶/۲۵. مصاحبه انتشار نیافته توسط محمد پورمنتصری.
۳۷. قاسم جهانزاده، ۹۷/۰۹/۱۴. مصاحبه انتشار نیافته توسط محمد پورمنتصری.
۳۸. کریم دوکوهکی، ۹۷/۰۹/۱۳. مصاحبه انتشار نیافته توسط محمد پورمنتصری.
۳۹. محمد زادانی فرد، ۹۷/۰۸/۲۷. مصاحبه انتشار نیافته توسط محمد پورمنتصری.
۴۰. محمد علی ادریسی، ۹۷/۰۷/۰۷. مصاحبه انتشار نیافته توسط محمد پورمنتصری.
۴۱. محمد نعمتی، ۹۷/۰۹/۱۹. مصاحبه انتشار نیافته توسط محمد پورمنتصری.
۴۲. محمدرضا جلالی، ۹۷/۰۸/۳۰. مصاحبه انتشار نیافته توسط محمد پورمنتصری.
۴۳. محمدعلی میرهادی فرد، ۹۷/۰۸/۲۸. مصاحبه انتشار نیافته توسط محمد پورمنتصری.